

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۷/۲۱

## زندگی سیاسی صولت‌الدوله قشقایی (۲) از جنگ جهانی اول تا واپسین روزگار

منصور نصیری طیبی

پژوهشگر

### چکیده

در این مقاله جهت‌گیری‌های سیاسی صولت‌الدوله در قبال تحولات سیاسی فارس در طی جنگ جهانی اول، از جمله روابط وی با نیروهای ژاندارمری فارس، انگلیسی‌ها و نبرد با آنان، دوران حکومت مصدق‌السلطنه در فارس، روابط وی با رضاخان، نمایندگی وی در مجلس پنجم، زندانی شدن او در شورش‌های عشایری فارس، نمایندگی دوره هشتم و سلب مصونیت وی و سرانجام قتل او در زندان مورد بررسی قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** صولت‌الدوله، فارس، ایل قشقایی، جنگ جهانی اول، ژاندارمری فارس، انگلیسی‌ها، شورش عشایر، مجلس شورای ملی.

جهت‌گیری‌های سیاسی صولت‌الدوله در دوران مشروطیت، وی را مبدل به یکی از عناصر مهم در صحنه سیاسی فارس نموده و موجب افزایش نفوذ و اقتدار وی گردید. از این رو در رویدادهای سیاسی دامنگیر فارس از این دوران تا زمان مرگ صولت‌الدوله در زندان رضاشاه، پیوسته به عنوان یکی از چهره‌های تأثیرگذار در تحولات مزبور، به ایفای نقش پرداخت. مسلماً رویارویی وی با انگلیسی‌ها و تعامل سیاسی با رضاشاه از جمله مهم‌ترین رویدادهای زندگی صولت‌الدوله را در برمی‌گیرد؛ که در این مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

هم‌زمان با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م/ ۱۳۳۲ هـ.ق، در ایران، احمد شاه قاجار بر تخت سلطنت جلوس کرد. در حالی که میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزرا در قبال صفوف متخاصم اعلان بی‌طرفی کرده بود، عده‌ای از ملیون ایرانی به امید کاهش نفوذ دیرپای روس و انگلیس در ایران به سوی دول مرکز به‌ویژه آلمان گرایش یافتند.<sup>۱</sup> از این رو آلمانی‌ها برای برانگیختن احساسات مردم علیه انگلیسی‌ها دست به فعالیت شدیدی زدند و گروه‌های متعددی از خیره‌ترین مأموران و دیپلمات‌های خود را به ایران اعزام داشتند.<sup>۲</sup> ویلهلم و اسموس که یکی از برجسته‌ترین آنان بود، تلاش گسترده‌ای در جهت برانگیختن احساسات سران ایلات جنوب علیه انگلیسی‌ها به راه انداخت.<sup>۳</sup>

در این گیرودار، مخبرالسلطنه هدایت، حاکم فارس بود؛ وی تلاش می‌کرد تا در جنوب آرامشی برقرار سازد. او که به تجربه دریافته بود آرامش فارس بستگی به توافق صولت‌الدوله و قوام‌الملک دارد، ضمن اینکه از همان آغاز دوران حکومتش به جلب اعتماد هر دو پرداخته بود،<sup>۴</sup> سعی کرد با وساطت بین آنان، کدورت‌های بین طرفین را از میان برداشته و آنان را به همکاری با یکدیگر برای برقراری آرامش در فارس وادار سازد؛ در نتیجه تا حدود زیادی ناامنی به وجود آمده، از میان رفت. اما با وجود این، مخبرالسلطنه از جانب انگلیسی‌ها متهم به هواداری از آلمان‌ها شد و رؤسای سوندی ژاندارمری نیز به خاطر تنفر از روس‌ها به جانب آلمان‌ها که در مقابل روس‌ها می‌جنگیدند، گرایش پیدا کردند. انگلیسی‌ها نیز در مقابل برای ممانعت از پیوستن ایران به صفوف دول محور، بوشهر را اشغال کردند.<sup>۵</sup> اما پس از عزل مخبرالسلطنه و انتصاب نصرت‌السلطنه<sup>۶</sup> پسر مظفرالدین شاه در مقام والی فارس، و نیابت قوام‌الملک، انگلیسی‌ها مبادرت به

۱. جنگ جهانی اول در جنوب ایران (گزارش‌های سالانه کنسولگری بریتانیا در بوشهر)، ترجمه کاوه بیات (بوشهر، کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد شهادت رئیس‌علی دلواری، ۱۳۷۳)؛ ص ۱۲۴.

۲. نک: نیدرمایر، اسکارفن، زیر آفتاب سوزان، ترجمه کیکوس جهانداری (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳)؛ صص ۶۰-۵۷.

۳. موزخ الدوله سپهر، احمدعلی، ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۸-۱۹۱۴) (تهران: بی‌جا، ۱۳۶۶)؛ صص ۷۷-۷۵.

۴. اوکانر، فردریک، از مشروطه تا جنگ جهانی اول؛ خاطرات فردریک اوکانر کنسول انگلیس در فارس، ترجمه حسن زنگنه (تهران: شیرازه، ۱۳۷۶)؛ صص ۸۰-۷۶.

۵. جنگ جهانی در جنوب ایران، همان؛ ص ۱۱۵.

۶. البته در این دوران، نصرت‌الدوله هرگز به فارس نرفت زیرا ابتدا قوام‌الملک و سپس سردار معظم به کفالت از وی حکومت فارس را اداره می‌کردند و در هنگام عزیمت به فارس در اصفهان از منصب خود برکنار شد و جای خود را به فرمانفرما داد.

بازگرداندن بوشهر به دولت ایران نمودند.<sup>۱</sup> لیکن در شیراز، برخلاف پیروزی‌هایی که متفقین در سایر نقاط ایران به دست آورده بودند، اوضاع به زیان آنان پیش می‌رفت تا جریان کودتای ژاندارمری پیش آمد.

### صولت‌الدوله و ژاندارمری فارس

نامیدی انگلیسی‌ها از جذب نیروهای ژاندارمری به سوی خود موجب شد تا با قطع حمایت‌های مالی و سیاسی خود از آنان که قبلاً در قبال برقراری امنیت در جاده‌های تجاری جنوب متعهد شده بودند، منجر به مقابله نیروهای ژاندارمری فارس با ایشان گردید. از این رو گروهی از افسران ژاندارمری به سرپرستی یاور علی‌قلی خان پسیان کمیته‌ای به نام حافظین استقلال مملکت ایران تشکیل داده و علیه انگلیسی‌ها ائتلاف کردند.<sup>۲</sup> آنان سپس با برقراری ارتباط با ووسترو قونسول آلمان در شیراز، طرح دستگیری قونسول و اتباع انگلیس در شیراز را به اجرا درآوردند.<sup>۳</sup> کمیته حافظین استقلال سپس اوکانر قونسول و سایر اتباع انگلیسی را به اهرم نزد زائر خضرخان فرستادند.<sup>۴</sup>

در این میان که حبیب‌الله‌خان قوام‌الملک حاضر به همکاری با ژاندارمری شده بود، جنگ داخلی در شیراز آغاز گردید. در نتیجه، پس از دوازده روز زدوخورد، قوام‌الملک به طرف لار فرار کرده و برخی از نزدیکان او توقیف و اموال وی از سوی ژاندارمری مصادره شد.<sup>۵</sup>

دولت ایران در واکنش به اعتراضات دولت انگلیس به اقدام ژاندارمری فارس در ۱۲ محرم ۱۳۳۴ هـ.ق. به قوام‌الملک و صولت‌الدوله دستور داد تا برای رفع بحران مزبور، وارد عمل شوند.<sup>۶</sup> اما صولت‌الدوله که می‌دانست هرگونه اقدام وی علیه ژاندارمری به سود رقیب دیرین خود یعنی قوام‌الملک تمام خواهد شد، از این رو، ضمن خودداری از هرگونه اقدام، منتظر نتیجه حاصل از درگیری‌های قوام و ژاندارمری ماند.

ژاندارمری برای بهره‌برداری از فرصت پیش‌آمده، درصدد جلب همکاری صولت‌الدوله برآمد که در نتیجه، به عقد قراردادی بین طرفین منجر گردید. در این پیمان، صولت‌الدوله متعهد گردید که علیه متفقین اعلان جنگ کرده و ۱۵۰۰ نفر سوار و پیاده به جبهه مخالفان انگلیسی‌ها در بوشهر بفرستد.<sup>۷</sup>

از این رو همراهی صولت‌الدوله با ملیون موجب شد تا وی به عنوان قدرتمندترین شخصیت فارس و جنوب کشور مطرح شود. اما به دنبال پیروزی‌های متفقین در غرب ایران و بین‌النهرین، آنان توانستند در داخل ایران قدرت خود را تحکیم نمایند لذا با روی کار آوردن دولت‌های طرفدار خود به سرکوب مخالفان پرداختند.

۱. جنگ جهانی اول در جنوب ایران، همان؛ ص ۴۳.

۲. فراشبندی، علی مراد، تاریخچه حزب دموکرات فارس (تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹)؛ ص ۱۵.

۳. گرکه، اولریخ، پیش به سوی شرق، ترجمه پرویز صدیقی، ج ۲ (تهران: کتاب سیامک، ۱۳۷۷)؛ ص ۷۶۵.

۴. اوکانر، همان؛ صص ۱۱۷-۱۱۶.

۵. رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین، فارس و جنگ بین‌الملل، ج ۱ (تهران: اقبال، ۱۳۷۰، چاپ پنجم)؛ ص ۲۳۴.

۶. ماپرلی، جیمز، عملیات در ایران، ترجمه کاوه بیات (تهران: رسا، ۱۳۶۹)؛ صص ۱۶۹-۱۶۵.

۷. اخگر، احمد، زندگی من در هفتاد سال تاریخ معاصر ایران (تهران: خوشه، ۱۳۶۳)؛ ص ۲۰۴.



در این میان، عزیمت ووسترو قونسول آلمان از شیراز و عدم اجرای وعده‌های وی در تأمین اسلحه و مهمات و هزینه مالی ژاندارمری، موجب شد تا موقعیت ژاندارمری کاملاً تضعیف شود. در نتیجه افسران ژاندارمری به اقداماتی از جمله تخریب و غارت منازل و عوارض و مالیات مردم و حتی برخی از هم‌فکران خود پرداختند. از آن جایی که این اقدام با پافشاری گاه با خشونت همراه شد، موجب ایجاد تنفر عمومی از ژاندارمری و کناره‌گیری اغلب سران حزب دموکرات فارس از همراهی با آنان گردید.<sup>۱</sup>

در مرکز نیز پس از سقوط کابینه مستوفی‌الممالک که سیاست بی‌طرفی در جنگ را در پیش گرفته بود، به ترتیب عبدالحسین میرزا فرمانفرما و سپهسالار تنکابنی مأمور تشکیل کابینه شدند<sup>۲</sup> که چرخشی به سود متفقین در اوضاع سیاسی ایران محسوب می‌شد. سپهسالار طی تلگرافی به علمای شیراز و صولت‌الدوله اخطار کرد که چون قوام‌الملک طبق دستور دولت جهت سرکوب متمرّدین عمل می‌کند، وی را یاری دهند.<sup>۳</sup> در نتیجه وقایع مزبور و فشار فزاینده دولت برای یکسره کردن کار ژاندارم‌های شورشی، وی را نیز بر آن داشت تا به منظور مقابله با اقدامات خودسرانه ژاندارم‌ها ضمن پاسخ مثبت به درخواست حکومت مرکزی با قوام‌الملک وارد همکاری شود.

از این رو قوام‌الملک و صولت‌الدوله به سوی شیراز حرکت کردند. این در حالی بود که در شیراز نیز فضای سیاسی شهر علیه ژاندارمری برانگیخته شده بود زیرا با روشن شدن نظر دولت درباره ژاندارمری، دیگر مردم حاضر به همکاری با آنان نبودند. علاوه بر این، اقدامات خودسرانه آنان در تخریب و غارت منازل برخی از مردم شیراز (حتی اعضای حزب دموکرات)، موجب تنفر عمومی از ایشان شده بود.

زمانی که قوام‌الملک به اتفاق صولت‌الدوله عازم شیراز بودند، قوام‌الملک در حوالی شیراز هنگام شکار از اسب بر زمین افتاد و درگذشت.<sup>۴</sup> در نتیجه فرزند وی ابراهیم‌خان نصرالدوله که مدتی بعد لقب قوام‌الملک گرفت با صولت‌الدوله عازم شیراز شدند. این در حالی بود که قبل از ورود آنان به شیراز با ضدکودتایی توسط سلطان قاسم‌خان فتح‌الملک و عده‌ای از افسران ژاندارمری طرفدار قوام، مخالفان وی از قدرت برکنار شده بودند و شهر به دست آنان افتاده بود.<sup>۵</sup>

### تشکیل پلیس جنوب ایران

در دوران کودتای ژاندارمری در فارس، انگلیسی‌ها با توافق روسیه، طرح تأسیس نیروی نظامی تحت نظارت افسران انگلیسی را پی‌ریزی کردند.<sup>۶</sup> از این رو آنان تصمیم گرفتند به منظور کنترل مستقیم جنوب

۱. نک: نیر شیرازی، عبدالرسول، *تحفة تیر*، تصحیح محمدیوسف نیری شیرازی (شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۳)، صص ۱۹۰-۱۸۷ و حکمت، رضا، *خاطرات سردار فاخر حکمت*، به کوشش وحیدنیا (تهران: البرز، ۱۳۷۹)، صص ۱۲۷-۱۲۴.

۲. رکن‌زاده آدمیت، همان؛ ص ۱۷۷.

۳. همانجا.

۴. نیرشیرازی، همان؛ صص ۲۰۲-۲۰۱.

۵. فراشبندی، همان، صص ۱۳۱-۱۳۰ و رکن‌زاده آدمیت، همان؛ صص ۲۸۶-۲۷۲.

۶. جنگ جهانی اول در جنوب ایران، همان؛ ص ۶۷.

ایران، نیرویی موسوم به پلیس جنوب ایران به فرماندهی ژنرال سرپرسی سایکس ایجاد نمایند.<sup>۱</sup> آن‌ها در ژانویه ۱۹۱۶ / صفر ۱۳۳۴، متن موافقت‌نامه‌ای را مبنی بر تشکیل یک نیروی یازده هزار نفری در جنوب ایران تحت فرماندهی افسران انگلیسی به دولت سپهسالار تنکابنی تقدیم کردند.<sup>۲</sup> این نیرو که مرکب از افسران انگلیسی و سربازان هندی و با اجیر کردن عده‌ای سرباز ایرانی شکل گرفت، در ۲۰ محرم ۱۳۳۵ وارد شیراز شد.<sup>۳</sup> هم‌زمان با این وقایع، عبدالحسین میرزا فرمانفرما به عنوان حاکم فارس منصوب گردید. انتصاب فرمانفرما به حکومت فارس با مخالفت صولت‌الدوله و ابراهیم‌خان قوام‌الملک روبه‌رو شد. علت مخالفت با فرمانفرما بیشتر ناشی از این مسئله بود که آن‌ها ورود یک نیروی انگلیسی و تأسیس نیروی انتظامی تحت فرماندهی انگلیسی‌ها را آن‌چنان که قرار بود در پی ورود والی صورت گیرد، موجب از دست رفتن قدرت و اعتبار خویش می‌دانستند.<sup>۴</sup> آنچه به این مقاومت قدرت می‌داد، عدم موافقت کابینه سپهدار با حضور نظامی انگلیسی‌ها در جنوب ایران بود که برغم فشار متفقین، وی وجود این نیروها را به رسمیت نمی‌شناخت.<sup>۵</sup> ولی با سقوط کابینه، سپهدار اعظم و حکومت فرمانفرما، نیروهای پلیس جنوب نیز وارد فارس شدند.

علی‌رغم اینکه انگلیسی‌ها نسبت به صولت‌الدوله نظر چندان مساعدی نداشتند اما از آن‌جایی که پلیس جنوب هنوز قدرت کافی نداشت، با هماهنگی فرمانفرما به جلب نظر صولت‌الدوله پرداختند.<sup>۶</sup> واداشتن فرمانفرما به شناسایی حق حاکمیت صولت‌الدوله بر قشقایی‌ها از جانب وی، برای او نوعی پیروزی محسوب می‌شد. زیرا با وجود مخالفت فرمانفرما مشخص شد که قدرت و اقتدار وی در ایل قشقایی مستحکم است. از سوی دیگر در ۲۶ جمادی‌الأول ۱۳۳۵ / ۲۱ مارس ۱۹۱۷ وثوق‌الدوله در مقابل تهدیدات دولت انگلیس، پلیس جنوب را مخفیانه به رسمیت شناخت. این امر باعث تقویت پلیس جنوب گردید و در نتیجه، موافقت صولت‌الدوله با انگلیسی‌ها تأثیر گذاشت.<sup>۷</sup>

در ۲۴ مه ۱۹۱۷ / ۲ شعبان ۱۳۳۵، قراردادی بین صولت‌الدوله از یک طرف و سرپرسی سایکس و کلنل گاف قونسول انگلیس منعقد گردید. در این قرارداد، حفاظت راه کازرون تا دشت ارژن تا چناراه‌دار به صورت مشترک به پلیس جنوب و صولت‌الدوله واگذار گردید. در عوض، انگلیسی‌ها مخارج حفاظت از راه را بر عهده گرفتند.<sup>۸</sup>

۱. سفیری، فلوریدا، پلیس جنوب ایران، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی) و منصوره فشارکی (رفیعی) (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴)؛ ص ۲۷.

۲. ذوقی، ایرج، تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ (۱۹۲۵-۱۹۰۰م)، (تهران: پازنگ، ۱۳۶۸)؛ ص ۱۵۶.

۳. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۵ هـ.ق.، کارتن ۴۸، پرونده ۸؛ ص ۲.

۴. همان و سفیری، همان؛ ص ۱۰۷.

۵. میرزایی دره شوری، غلامرضا، قشقایی‌ها و مبارزات مردم جنوب (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱)؛ ص ۲۱۳.

۶. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۵ هـ.ق.، کارتن ۴۸، پرونده ۱۶؛ ص ۶.

۷. اتحادیه (نظام مافی)، منصوره و دیگران، عبدالحسین میرزا فرمانفرما؛ زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی، کتاب دوم (تهران: کتاب سیامک، ۱۳۸۳)؛ ص ۳۸۱.

۸. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۵ هـ.ق.، کارتن ۴۸، پرونده ۲۷؛ ص ۶.



برغم اینکه فرمانفرما تلاش زیادی برای امضای تفاهم‌نامه مزبور انجام داده بود اما نسبت به توافق به عمل آمده، خوشبین نبود.<sup>۱</sup> علاوه بر این در فارس نیز از سوی برخی محافل ضدانگلیسی، انتقاداتی نسبت به قرارداد مزبور انجام شد؛ صولت‌الدوله در واکنش به آن اعلام داشت:

هشت ماه انواع تحریکات و مخالفت را نمودند؛ پیشرفت نشد. عاقبت به دوستی و تعلیمات کتبی، به امضای قرارداد، مجبور؛ حالا که اوضاع تغییر کرد، به خیانت، اتهام می‌زنید. برای ثبوت اینکه خودشان باعث پیشرفت نفوذ حضرات بوده‌اند، من حاضر هستم در صورتی که ایالت و قوام امضاء نمایند، امنیت فارس را متعهد شوم که قشون انگلیسی دخالت نکنند اگر حقیقتاً راست می‌گویند، استقلال مملکت می‌خواهند، اقدام کنند.<sup>۲</sup>

با وجود اینکه انگلیسی‌ها تعهد کرده بودند، هزینه‌های مأموران محافظ راه بوشهر را پرداخت کنند، مبلغ مورد نظر به صولت‌الدوله پرداخت نشد. او فقط مقداری اسلحه و مهمات برای تفنگچی‌ها گرفت.<sup>۳</sup> از این رو وقتی مدت قرارداد به پایان آمد، صولت‌الدوله از تجدید قرارداد سرباز زد. او خواستار آن بود که تمدید قرارداد با اطلاع و اجازه والی فارس باشد. وی مأمورین محافظ خود را از راه جمع‌آوری کرد ولی اظهار داشت که از مساعدت در حفظ امنیت، مضایقه نخواهد کرد.<sup>۴</sup>

وقوع انقلاب ۱۹۱۷م. روسیه و خروج نیروهای روسی از ایران و اقدام انگلیسی‌ها جهت تحکیم قدرت خود در ایران، احساسات ضدانگلیسی را تقویت کرد. علاوه بر این، با سقوط کابینه وثوق‌الدوله، علاء‌السلطنه در ۱۴ شعبان ۱۳۳۵ به قدرت رسید. به دلیل اینکه برخی از اعضای کابینه جدید، روحیه ضدانگلیسی داشتند، فعالیت ملیون افزایش یافت. هم‌چنین علاء‌السلطنه نیز نسبت به پلیس جنوب خوشبین نبود و موافقت‌نامه وثوق‌الدوله را ناقض قوانین کشور می‌دانست. از این رو مسئله به رسمیت شناختن پلیس جنوب، از نو مطرح شد.<sup>۵</sup>

علاء‌السلطنه پیشنهاد کرد که قوای امنیتی متحدالشکلی تحت نظر صاحب‌منصبان یک دولت بی‌طرف تشکیل شود و تشکیلات پلیس جنوب به تشکیلات قوای متحدالشکل جدید واگذار گردد<sup>۶</sup> اما به دلیل مخالفت انگلیسی‌ها با دولت علاء‌السلطنه، در ۲۳ محرم ۱۰/۱۳۳۶ نوامبر ۱۹۱۷ کابینه وی سقوط کرد و عین‌الدوله جانشین او شد. در زمان دولت مستعجل عین‌الدوله، احساسات ضدانگلیسی افزایش یافت. در نتیجه در ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶، دولت عین‌الدوله نیز به سرنوشت کابینه قبلی دچار شد و مستوفی‌الممالک دولت جدید را تشکیل داد. مستوفی پلیس جنوب را قوای بیگانه خواند و حضور آن را در ایران تقبیح کرد و خواستار خروج سریع آنان از ایران شد.<sup>۷</sup> از این رو کابینه او هم به دولت‌های قبلی پیوست و صمصام‌السلطنه در ۱۸ رجب ۱۳۳۵ مأمور تشکیل کابینه شد. وی از کابینه‌های سابق، خصومت بیشتری نسبت به

۱. همانجا.

۲. همان پرونده؛ ص ۲.

۳. ایرجی، ناصر، *ایل قشقایی در جنگ جهانی اول* (تهران: شیرازه، ۱۳۷۸)؛ ص ۷۰.

۴. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۵هـ.ق.، کارتن ۴۸، پرونده ۳۷؛ ص ۴۸.

۵. اتحادیه و دیگران، همان؛ ص ۳۸۷.

۶. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۵هـ.ق.، کارتن ۴۸، پرونده ۳۷؛ ص ۷۹.

۷. همان؛ سال ۱۳۳۶هـ.ق.، کارتن ۴۸.

انگلیسی‌ها نشان داد و از عناصر ضدانگلیسی حمایت می‌کرد.<sup>۱</sup> به دنبال این وقایع، اندک مدتی پس از روی کار آمدن کابینه صمصام، قشقایی‌ها با پلیس جنوب به منازعه پرداختند. انگلیسی‌ها که پیوسته به دنبال فرصتی بودند تا قدرت و نفوذ صولت‌الدوله در جنوب را درهم بشکنند، از این رو با مطرح کردن بهانه‌هایی از جمله عدم تحویل محمدرضا درسی و اجرای ناقص تبعید ناصر دیوان و اجازه بازگشت او به کازرون که در قرارداد مذکور توافق شده بود، به انتقاد از صولت‌الدوله پرداختند.<sup>۲</sup> این در حالی بود که اکنون قدرت و کارایی پلیس جنوب بسیار قوی شده بود.

### واقعه خان زنیان

انگلیسی‌ها که پیش‌بینی می‌کردند سرانجام بین آنان و صولت‌الدوله جنگی به وجود خواهد آمد لذا با پیش‌دستی تلاش کردند ابتکار عمل را در دست گیرند؛ بدین ترتیب، با حمله عده‌ای از افراد نیروی پلیس جنوب به دره شوری‌ها جنگ آغاز شد. جریان واقعه از این قرار بود که در ۲۸ رجب ۱۳۳۶ هنگام عبور تیره حاج محمدلو از نزدیکی پاسگاه خان زنیان نیروهای پلیس جنوب به بهانه سرقت «مال و اسباب مأمورین خان زنیان» به میزان سه برابر آن را به پاسگاه آوردند و در این میان چند نفر از دره شوری‌ها هم بازداشت شدند. لذا ایاز کیخا کلانتر طایفه دره شوری برای رهایی افراد مزبور به پاسگاه حمله‌ور شدند. در مقابل، از طرف نیروهای پلیس جنوب مقاومت صورت می‌گیرد که در نتیجه دو نفر از دره شوری‌ها مجروح می‌شوند.<sup>۳</sup> از این رو بنا به درخواست فرمانده پاسگاه مزبور، سایکس حدود پانصد سواره نظام هندی به خان زنیان اعزام کرد.<sup>۴</sup> نیروی مزبور با حمله به دره شوری‌ها عده‌ای را مقتول و مجروح ساخت. سپس ستون اعزامی به خان زنیان پس از دادن تلفاتی از جمله یک نفر کشته و چند مجروح، به شیراز بازگشت.<sup>۵</sup> این نیروها با خود تعدادی از دره شوری‌ها، اموال و گوسفندان آنان را به شیراز آوردند. سایکس قصد داشت گوسفندان مزبور را به فروش برساند و در عوض، مالیات طایفه دره شوری را به فرمانفرما بدهد که پیشنهاد مزبور از سوی فرمانفرما رد شد و با وساطت وی تعداد سی و هفت نفر از اسرای دره شوری مرخص شدند.<sup>۶</sup> از سوی دیگر، صولت‌الدوله ضمن اعلام جنگ به انگلیسی‌ها دلیل آغاز مخالفت خود را مخالفت دولت با پلیس جنوب خواند. سپس طی یادداشتی به سران طوایف قشقایی و سران ایلات هم‌جوار آنان را برای اتحاد در مبارزه با انگلیسی‌ها به همکاری فراخواند.<sup>۷</sup> وی برای جلب نظر علمای فارس نیز طی یادداشتی به آنان هدف خود از مبارزه با انگلیسی‌ها را «دفاع از اسلام» خواند.<sup>۸</sup> هم‌چنین به فرمانفرما نوشت که در صورت

۱. سفیری، همان؛ صص ۲۱۲-۲۱۰.

۲. اتحادیه و دیگران، همان؛ صص ۳۹۴.

۳. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۶ هـ.ق.، کارتن ۶۶، پرونده ۵۳؛ صص ۶.

۴. همان؛ صص ۱۱.

۵. همان؛ صص ۹.

۶. همان؛ صص ۶۷.

۷. ایرجی، همان؛ صص ۸۲.

۸. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۶، کارتن ۶۶، پرونده ۵۳.

حکم دولت مبنی بر مقابله با پلیس جنوب، او و تمام ایلات جنوب آماده اجرای دستور و جان‌فشانی هستند.<sup>۱</sup>

چارلز مارلینگ وزیر مختار بریتانیا طی یادداشتی به وزارت امور خارجه ایران، از دولت ایران خواست تا ضمن متوجه ساختن صولت‌الدوله به عواقب کار خویش، این اقدامات را در نتیجه تحریکات دشمنان انگلیسی و بر ضد مصالح ایران و مذهب اسلام بخواند.<sup>۲</sup>

دولت ایران برای فروکش کردن شعله جنگ بین صولت‌الدوله و انگلیسی‌ها، ضمن هشدار به سفارت انگلستان آنان را از عواقب اقدامات مزبور بر حذر داشت.<sup>۳</sup> از سوی دیگر از فرمانفرما خواسته شد تا نظامیان انگلیسی را از تعقیب امر، منصرف سازد و از صولت‌الدوله بخواهد تا برای کنترل ایل هنگام عبور از اطراف شیراز وارد عمل شده و ضمن هشدار عواقب جنگ برای ایالت فارس، وی را از جنگ با انگلیسی‌ها بر حذر دارد.<sup>۴</sup>

هم‌چنین دولت ایران طی مذاکره با سفارت انگلستان، انحلال پلیس جنوب و خروج نیروهای انگلیسی از ایران را لازمه ایجاد آرامش در ایران خواند.<sup>۵</sup> در حالی که دولت ایران درصدد بود تا از طریق مذاکره طرفین را آرام سازد، در ۱۳ شعبان ۱۳۳۶ کارگزار فارس گزارش کرد:

طوری طوایف قشقایی به هیجان آمده؛ مصمم مخاصمه شده‌اند که تصور نمی‌رود مؤثر واقع شود. می‌گویند تاکنون قریب پنج هزار نفر مجتمع شده‌اند. خوانین گرمسیر هم به صولت‌الدوله نوشته‌اند در صورتی [که] جنگ را تا آخر دقیقه دوام داده تا قشون از جنوب خارج شوند، به کمک خواهند آمد.

ضمناً آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری با اعلان جهاد، مردم لارستان و سبعه را به جنگ علیه انگلیسی‌ها دعوت کرد.<sup>۶</sup>

### مقابله با انگلیسی‌ها

برغم تلاش دولت ایران برای ممانعت طرفین از آغاز نبرد، سرانجام دامنه جنگ بین طرفین شعله‌ور گردید. در اولین اقدام از جانب صولت‌الدوله، کاروانسرای خان زنیان که محل استقرار پاسگاه پلیس جنوب بود، به محاصره در آمد و رابطه آن منطقه با شیراز قطع گردید. از این رو قونسول انگلیس طی یادداشتی به کارگزاری فارس، مسئولیت حمله به نیروی پلیس جنوب را متوجه صولت‌الدوله خواند.<sup>۷</sup> علاوه بر این، انگلیسی‌ها کلیه نیروهای خود را که در پاسگاه‌های اطراف، مستقر بودند، به شیراز فراخواندند و ستونی را تحت فرماندهی کلنل اورتون در ۱۲ شعبان ۱۳۳۶ برای مساعدت به محاصره‌شدگان خان زنیان از شیراز

۱. همان پرونده؛ ص ۶۱.

۲. همانجا.

۳. همان پرونده؛ ص ۴.

۴. همان پرونده؛ ص ۷.

۵. همان پرونده؛ ص ۶۷.

۶. همان پرونده؛ ص ۱۲.

۷. همان، پرونده ۴۵؛ ص ۸.



اعزام کردند.<sup>۱</sup> در اولین درگیری در ده شیخ، نیروهای مزبور از قشقایی‌ها شکست خوردند اما در نبردی که در سیاخ بین طرفین درگرفت، انگلیسی‌ها توانستند قشقایی‌ها را به عقب برانند. لیکن با تسلیم پاسگاه خان زنیان به نیروهای مشترک کازرونی - قشقایی، کلنل اورتون نیروهایش را به شیراز بازگردانید.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، جاده شیراز - کازرون به اضافه نواحی غرب، جنوب و جنوب غربی شیراز به دست قشقایی‌ها افتاد و انگلیسی‌ها در شیراز تحت محاصره نیروهای صولت‌الدوله قرار گرفتند.<sup>۳</sup>

### محاصره انگلیسی‌ها در شیراز

در حالی که حکومت مرکزی در تلاش بود تا از طریق مذاکره طرفین را از رویارویی بازدارد،<sup>۴</sup> اما با حرکت صولت‌الدوله به سوی شیراز، دولت ایران به هراس افتاد. از این رو صمصام‌السلطنه طی تلگراف‌هایی به قوام‌الملک، فرمانفرما و صولت‌الدوله، تلاش کرد که از ادامه جنگ ممانعت به عمل آورد. وی از قوام‌الملک درخواست کرد تا شخصاً با صولت‌الدوله ملاقات کرده و او را از ادامه جنگ باز دارد. به فرمانفرما نیز دستور داد: «بر طرز نزاکتمندی، غائله را به موقع و آتش فتنه را خاموش» نماید.<sup>۵</sup> هم‌چنین در یادداشت به صولت‌الدوله ضمن گلایه از وی مبنی بر آغاز منازعه علیه انگلیسی‌ها، از او خواست تا ضمن خودداری از ادامه جنگ، ایلات را آرام سازد. او وعده داد تا از طریق مذاکرات جدی با وزیر مختار انگلیس، نتیجه مطلوب در این زمینه به دست آید.<sup>۶</sup> یادداشت صمصام‌السلطنه با پیام‌های قوام‌الملک و فرمانفرما توسط منتصرالملک، داماد قوام‌الملک به اردوی صولت‌الدوله فرستاده شد.<sup>۷</sup>

صولت‌الدوله در واکنش به یادداشت رئیس‌الوزرا به دلیل جلوگیری از سانسور تلگراف وی در شیراز از سوی انگلیسی‌ها، پاسخ صمصام‌السلطنه را از طریق تلگرافخانه قمشه به تهران ارسال داشت. وی ضمن تشریح اعمال و عملکرد پلیس جنوب و بدرفتاری‌های آنان، علت مقابله خود با انگلیسی‌ها را عدم رسمیت پلیس جنوب از سوی دولت ایران خواند.<sup>۸</sup> وی هم‌چنین تنها راه بازگشت آرامش به فارس را خروج نیروهای پلیس جنوب از فارس دانست.<sup>۹</sup>

از سوی دیگر صولت‌الدوله شرایط خود را برای ممانعت از ادامه جنگ به قرار ذیل اظهار داشت:

(۱) عدم مداخله انگلیسی‌ها در منطقه قشقایی و مناطق تحت حاکمیت صولت‌الدوله؛

(۲) عدم استقرار پست‌های پلیس جنوب در جاده‌های منطقه قشقایی؛

۱. ایرجی، همان؛ ص ۸۵.

۲. همان، صص ۸۶-۹۱.

۳. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۶ هـ.ق.، کارتن ۶۶، پرونده ۵۳؛ صص ۵۸ و ۶۰.

۴. همان پرونده؛ صص ۵۹-۱.

۵. همان پرونده؛ صص ۵۷-۶.

۶. همان پرونده؛ صص ۵۹-۱.

۷. همان پرونده؛ صص ۵۹-۴.

۸. همان پرونده؛ صص ۵۵.

۹. همانجا.



### ۳) حفاظت از جاده‌های مزبور و کاروان‌ها توسط تفنگچیان قشقایی.<sup>۱</sup>

با وجود اینکه پذیرفتن شرایط مزبور، برای انگلیسی‌ها غیرعملی بود اما آنان وعده دادند تا تعیین تکلیف قطعی، موقتاً جنگ را متوقف سازند.<sup>۲</sup>

با توجه به درخواست‌های مزبور از رئیس‌الوزرا، صمصام‌السلطنه در ۲۵ شعبان ۱۳۳۶، با وزیر مختار انگلیس ملاقات نمود و در ارتباط با اختلافات صولت‌الدوله و انگلیسی‌ها به مذاکره پرداخت. در این دیدار وزیر مختار وعده داد تا تعیین قطعی، قوای انگلیسی به قشقایی‌ها حمله نخواهند کرد. اما در ارتباط با پذیرش امنیت راه‌ها از سوی صولت‌الدوله اظهار داشت که دولت بریتانیا اطمینانی نسبت به اعطای مسئولیت مزبور به وی ندارد.<sup>۳</sup>

در این میان، فرمانفرما از حکومت مرکزی خواست تا در مورد تأیید اقدامات صولت‌الدوله هرچه سریع‌تر اتخاذ تصمیم شود و در ضمن هشدار داد که در صورت ادامه جنگ، ممکن است انگلیسی‌ها نیروهای زیادی را به ایران وارد نمایند که این امر، خود مشکلات سیاسی و حقوقی جدیدی را ایجاد خواهد کرد. صمصام‌السلطنه در واکنش به اظهارات فرمانفرما، اعلام داشت: «وقتی دولت می‌تواند امر دهد قشقایی مقابله نماید که انگلیسی‌ها قشون خود را عقب کشیده و پلیس خود را واگذار نمایند.»<sup>۴</sup>

در این زمان نیروهای صولت‌الدوله در چهار فرسخی شهر و کوه‌های اطراف شیراز مستقر شده و با پیوستن نیروهای کازرونی و مناطق گرمسیری به او تعداد نیروهای وی به پنج هزار نفر می‌رسید. انگلیسی‌ها برای جلوگیری از حمله به پاسگاه‌های خود آن‌ها را تخلیه کرده و نیروهایشان را به شیراز آوردند و در سربازخانه و منازل خود اسکان دادند.<sup>۵</sup> علاوه بر این، آن‌ها درخواست کردند تا تعداد ۱۵ هزار نیرو از طریق بندر عباس برای تنبیه صولت‌الدوله و خلع سلاح ایلات وارد ایالت فارس شوند.<sup>۶</sup>

### حمایت مردم شیراز از صولت‌الدوله

تأکید صمصام‌السلطنه مبنی بر خروج نیروهای انگلیسی از ایران و اعتراضات مکرر دولت به انگلیسی‌ها در ارتباط با اعمال پلیس جنوب و مندرجات مطبوعات علیه آن‌ها موجب تهییج بیشتر صولت‌الدوله گردید. لذا وی درصدد برآمد تا با مسدود کردن راه‌ها و ممانعت از عبور کاروان‌ها عرصه را بر انگلیسی‌ها تنگ‌تر کند.<sup>۷</sup> هم‌چنین با تصرف گشن، باغ جنت و مسجد بردی خود را به شهر نزدیک‌تر کرد. انگلیسی‌ها برای مقابله با او در اول رمضان ۱۳۳۶ باغ جنت و دهکده کشن را به توپ بستند که موجب شد قشقایی‌ها به

۱. همان؛ پرونده ۳۵.

۲. همان؛ پرونده ۵۳؛ صص ۵۷-۳.

۳. همانجا.

۴. همان پرونده؛ ص ۲.

۵. همان پرونده؛ ص ۶۷.

۶. همان پرونده؛ ص ۳.

۷. همانجا.

چنار راه دار عقب‌نشینی کنند. در این درگیری دو سوم خانه‌های کشن ویران گردید و از انگلیسی‌ها دو سرباز، مجروح و یک نفر مفقود شد.<sup>۱</sup>

دو روز بعد، نیروهای صولت‌الدوله و ناصر دیوان کازرونی مجدداً به سوی شهر حرکت کردند و با قطع آب شهر و آسیاب‌ها و توقیف چهارپایانی که گندم و جو برای آسیاب می‌بردند، شیراز را از حیث آذوقه و سوخت دچار مشکل کردند.

در این میان، فرمانفرما با اعلام بی‌طرفی خود اظهار داشت که به شهر و ارگ دولتی متعرض نشده و اقدامی نخواهد کرد. اما با تبلیغات صولت‌الدوله تأثیر خود را نشان داد و از سوی بازاریان و برخی از علما اعلام شد که برای مخالفت با انگلیسی‌ها بازار را تعطیل خواهند کرد. در متن نامه علمای شیراز به صولت‌الدوله در این ارتباط چنین آمده است:

هو الله تعالی

به عرض مقدس عالی می‌رساند، همواره استعانت وجود محترم حضرت مستطاب اجل اکرم امجد عالی را از درگاه احدیت مسئلت می‌نماید و ملت فارس عموماً و این داعیان خصوصاً بقای آن وجود مقدس را از حضرت باری تعالی - جلت عظمته خواهانیم و امیدوار [...] که همیشه فتح و فیروزی، شامل حال اردوی اسلامی بشود. البیوم دوشنبه پنجم شهر صیام (رمضان) است. این داعیان و عامه ملت از هر طبقه در مسجد نو آمده و از هر نوع همراهی و جانفشانی در راه اسلام تا آخرین قطره خونی که داریم، کوتاهی و فروگذار نخواهد شد. منتها این است که بعضی مطالب را حضوراً به جناب مستطاب اجل عالی آقا مسیو محمودخان صاحب دیوان - دام اقباله - مذاکره کرده‌ایم. البته [...] به معزّی‌الیه مطالب را عرض خواهد کرد و کسب تکلیف فعلی را معین خواهد فرمود.

الاحقر مرتضی محلاتی امّهر. الاحقر محمدجعفر، عموم مل، ت و سایر حجج اسلام [۱۳۳۶هـ.ق].<sup>۲</sup>

این در حالی بود که حکومت مرکزی، والی فارس را به رعایت سیاست بی‌طرفی دولت و تلاش برای فیصله اختلافات بین طرفین از طریق مذاکره دعوت می‌کرد.<sup>۳</sup>

با وجود این در هفتم رمضان ۱۳۳۶ جنگ شدیدی در نزدیکی کشن و باغ جنت بین طرفین به وجود آمد که انگلیسی‌ها با بر جای گذاشتن چهار کشته و بیست و هفت مجروح به شهر بازگشتند و تلفات قشقایی‌ها نیز بیش از بیست نفر کشته و مجروح گزارش شد. حوادث مذکور، باعث بروز یک شورش عمومی در شیراز علیه انگلیسی‌ها گردید و بازاریان با تعطیل مغازه‌ها در مسجد نو اجتماع کرده و به ایراد نطق علیه آن‌ها پرداختند.<sup>۴</sup>

اوضاع بحرانی شیراز و درخواست‌های مکرر فرمانفرما و کارگزار فارس موجب شد تا در روز نهم ماه رمضان ۱۳۳۶ صمصام‌السلطنه طی ملاقات حضوری با وزیر مختار بریتانیا در ارتباط با مناقشه قشقایی‌ها و انگلیسی‌ها به مذاکره بپردازد. در حالی که وزیر مختار بریتانیا از رئیس الوزرا به خاطر مماشات دولت ایران با صولت‌الدوله گله‌مند بود، صمصام‌السلطنه این مشکلات را ناشی از عدم شناسایی رسمی پلیس جنوب از

۱. همان پرونده؛ ص ۲۱.

۲. مجموعه اسناد شخصی داریوش خان بهادری قشقایی.

۳. همان پرونده؛ ص ۱۹.

۴. همان پرونده؛ ص ۲۵.



سوی دولت ایران دانست و از وی خواست تا در جهت انحلال نیروی مزبور اقدام نماید تا مشکلات پیش آمده، مرتفع گردد.

در مقابل، وزیر مختار، پرداختن به این مسئله را مستلزم مذاکره و موافقت مقامات ارشد انگلیسی دانست که خود مقدار زیادی به وقت، نیاز داشت؛ از این رو وی درخواست کرد تا تلگراف شدیدالحنی به صولت الدوله ارسال شود و او را از ادامه فعالیت‌هایش باز دارند و در صورت امکان، وی را از ایلخانی‌گری معزول نمایند. رئیس‌الوزرا، در پاسخ، این اقدامات را بی‌نتیجه خواند و تنها راهکار را انحلال پلیس جنوب دانست.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، مذاکرات مزبور، نتیجه مطلوبی در پی نداشت.

### شیراز در اشغال انگلیسی‌ها

صولت الدوله خود را برای حمله نهایی به شیراز آماده می‌کرد. وی درصدد بود هم‌زمان با یک شورش داخلی در شهر با حمله برق‌آسایی کار انگلیسی‌ها را یکسره سازد. اما انگلیسی‌ها در یک پاتک نظامی شبانه، واحدهایی از نیروهای خود را برای تصرف نقاط مرتفع شهر در ۲۷ رمضان ۱۳۳۶ گسیل داشتند. سپس مناطق حساس از جمله مسجد نو، شاه چراغ، سیدمیرمحمد و مدرسه خان را به تصرف درآوردند و با استقرار توپ در مناطق مختلف شهر، به دستگیری حاج احمد لاری (مسبب اجتماع مردم در مسجد نو علیه انگلیسی‌ها)<sup>۲</sup> و عده‌ای دیگر از افراد آزادی‌خواه و مهر و موم کردن منازل آنان پرداختند.<sup>۳</sup>

هم‌چنین ژنرال سایکس اعلامیه‌ای منتشر کرد و دلیل این اقدامات را ممانعت از به خطر افتادن آسایش عمومی از سوی صولت الدوله دانست. در این بیانیه مقرر شده بود:

(۱) اسلحه تمام واردین به شهر، توقیف و حامل آن‌ها در نظیمه استنطاق خواهد شد؛

(۲) اهل شهر هم اگر اسلحه حمل نمایند، اسلحه آن‌ها توقیف و مورد مواخذه سخت خواهد شد؛

(۳) به استثنای قشون سوار ایالتی [و] تفنگچی‌های قوام هیچ‌کس حق حمل هر قسم اسلحه ندارد.<sup>۴</sup>

با گزارش وقایع مزبور از سوی کارگزاری فارس و درخواست چاره‌جویی برای وضعیت پیش آمده، وزارت امور خارجه ضمن یادداشتی به سفارت بریتانیا اعتراض نموده و خواستار ترک اقدامات مزبور و آزادی بازداشت‌شدگان از سوی انگلیسی‌ها گردید؛ هم‌چنین تأکید کرد که تمام این حوادث، ناشی از نپذیرفتن درخواست دولت ایران در زمینه انحلال پلیس جنوب و تخلیه خاک ایران است. لذا از وزیر مختار درخواست شد تا موافقت دولت بریتانیا در این زمینه را فراهم سازد.<sup>۵</sup>

### دسیسه انگلیسی‌ها علیه صولت‌الدوله

انگلیسی‌ها در راستای تضعیف موقعیت صولت‌الدوله دست به تلاش همه‌جانبه‌ای زدند؛ از یک سو با طرح تطمیع برخی از قشقای‌ها و ایجاد تفرقه در میان آنان و از سوی دیگر از طریق رایزنی با دولت و

۱. همان پرونده؛ ص ۶۹.

۲. همان پرونده؛ ص ۷۸.

۳. همان پرونده؛ ص ۷۹.

۴. همانجا.

۵. همان پرونده؛ ص ۷۲.



فرمانفرما، به دنبال عزل صولت‌الدوله از ایلخانی‌گری برآمدند. با سقوط کابینه صمصام‌السلطنه و بحران کابینه از اول ژوئیه / ۲۱ رمضان تا ۷ اوت / ۲۸ شوال که تا روی کار آمدن وثوق‌الدوله در این مدت رئیس‌الوزرای رسمی وجود نداشت. فرمانفرما در ۵ ژوئیه / ۲۶ رمضان با عزل صولت‌الدوله، سردار احتشام برادر ناتنی و رقیب سنتی وی را به ایلخانی‌گری منصوب کرد.<sup>۱</sup>

فرمانفرما و انگلیسی‌ها علاوه بر سردار احتشام توانستند دیگر برادر صولت‌الدوله یعنی علی‌خان سالار حشمت که در اردوی صولت‌الدوله بود و عده‌ای از کلانتران قشقایی را به سوی خود جلب سازند. آن‌ها امیدوار بودند که بتوانند به کمک این افراد، غائله را خاتمه دهند. هم‌چنین فرمانفرما دو تفاهم‌نامه، یکی بین سردار احتشام و سالار حشمت با قوام‌الملک، که قول همکاری با حکومت می‌دادند و دیگری تعهد قوام‌الملک، مبنی بر کمک به سردار احتشام و سالار حشمت و اطاعت از حکومت را به امضا رسانید.<sup>۲</sup>

عزل و نصب مزبور، از سوی فرمانفرما بدون اجازه حکومت مرکزی صورت گرفت. ظاهراً سندی که فرمانفرما به سردار احتشام داده بود و انتخاب او را به عنوان ایلخانی تأیید می‌کرد، غیررسمی بود.<sup>۳</sup> کارگزار فارس در این ارتباط می‌نویسد:

این تغییر فقط از نقطه‌نظر منافع انگلیس شده و اگر دولت، ساکت شود باید یکسره فاتحه نفوذ خودش را در جنوب بخواند.<sup>۴</sup>

در روز ۲۷ رمضان ۱۳۳۶، کلنل گاف فونسول انگلیس در شیراز طی اعلامیه‌ای ضمن اعلام ایلخانی‌گری سردار احتشام و ایل بیگی شدن سالار حشمت و عزل صولت‌الدوله، افزود که این دو، تعهدات کتبی و شفاهی برای برقراری امنیت در ایل قشقایی را داده‌اند و در صورت بی‌نظمی در ایل قشقایی می‌توانند از نیروی دولتی ایران و تفنگچیان ایالتی و مأمورین دولت انگلستان کمک بگیرند.<sup>۵</sup> هم‌چنین انگلیسی‌ها محمدعلی‌خان کشکولی که با صولت‌الدوله میانه خوبی نداشت و از مدت‌ها قبل به سوی خود جلب کرده بودند را وارد صحنه کردند.<sup>۶</sup>

قوام‌الملک که با برادران صولت‌الدوله جهت از میان برداشتن وی هم پیمان شده بود، توانست نصرالله‌خان مرودشتی، شهباز خان عرب و برخی دیگر از سران ایلات را با خود همراه سازد.<sup>۷</sup> انگلیسی‌ها نیز با پرداخت چهل هزار تومان به قوام‌الملک و روزی دو هزار و دویست تومان به سردار احتشام به وسیله آنان نیرویی علیه صولت‌الدوله آماده کردند.<sup>۸</sup>

جدایی برادران صولت‌الدوله و برخی کلانتران طوایف قشقایی، بازگشت نیروهای ناصر دیوان به کازرون، شیوع بیماری وبا و دستگیری هم‌فکران صولت‌الدوله در شیراز، وی را در موقعیت ضعیفی قرار داد.

۱. ایرجی، همان؛ صص ۱۰۷-۱۰۶.

۲. اتحادیه و دیگران، همان؛ صص ۳۹۷-۳۹۶.

۳. همان؛ ص ۳۹۷.

۴. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۶ هـ.ق.، کارتن ۶۶، پرونده ۵۳؛ ص ۷۴.

۵. همان پرونده؛ ص ۵۳.

۶. همان پرونده؛ ص ۳۶.

۷. همانجا.

۸. همان، پرونده ۵۳؛ ص ۷۵.



## درگیری قشقایی‌ها با انگلیسی‌ها در آباد

هم‌زمان با محاصره شیراز از سوی نیروهای صولت‌الدوله، محمدعلی‌خان قشقایی (سالار مظفر) پسرعموی وی (حاکم سابق آباد) به همراهی عطاخان صولت‌السلطنه برادر صولت‌الدوله علیه انگلیسی‌ها وارد عمل شدند.

محمدعلی‌خان دستور داد با قطع سیم تلگراف، ارتباط مخابراتی آباد با سایر نقاط کشور قطع شود<sup>۱</sup> و در ۲۵ شعبان ۱۳۳۶ به پادگان پلیس جنوب حمله‌ور شد. هم‌زمان برخی افراد ایرانی پلیس جنوب با شورش علیه افسران انگلیسی، پاسگاه‌های اطراف را به نیروهای قشقایی تسلیم کردند.<sup>۲</sup> باقی‌مانده نیروهای پلیس جنوب که تنها یکصد و پنجاه نفر بودند، به همراه نیروهای هندی و صاحب‌منصبان انگلیسی در پادگان آباد به مقاومت پرداختند. جنگ پانزده روز سرسختانه ادامه یافت.<sup>۳</sup> چیزی به سقوط پادگان نمانده بود که نزول یک بلای طبیعی، نیروهای قشقایی را از هم پاشید. زیرا شیوع بیماری وبا تلفات زیادی به قشقایی‌ها وارد ساخت و محمدعلی‌خان نیز بر اثر ابتلا به این بیماری درگذشت.<sup>۴</sup>

با این وجود، قشقایی‌ها به مبارزه خود ادامه می‌دادند. ژنرال سایکس نیرویی متشکل از ۱۲۰۰ نفر را برای کمک به پادگان آباد اعزام کرد.<sup>۵</sup> قبل از ورود نیروهای کمکی، قشقایی‌ها آباد را ترک کردند. از این رو هنگام ورود نیروهای امدادی به آباد آنان به غارت منازل و مغازه‌های مخالفین پرداختند. انگلیسی‌ها دو نفر از علما و رئیس تلگرافخانه آباد را با دو نفر دیگر دستگیر کرده و آنان را به هندوستان تبعید کردند.<sup>۶</sup> بر اساس گزارش کارگزاری فارس، تلفات انگلیسی‌ها، یک نفر کاپیتان انگلیسی و شش نفر سرباز هندی، و تلفات قشقایی‌ها نزدیک به دویست نفر ذکر شده است.<sup>۷</sup> با توجه به شیوع بیماری وبا در بین نیروهای طرفین، به نظر می‌رسد اغلب تلفات قشقایی‌ها ناشی از بیماری مزبور باشد.

## حمله نیروهای مخالف به فیروزآباد

پس از اتحاد برادران صولت‌الدوله و قوام‌الملک علیه صولت‌الدوله آنان اردویی با هزینه دولت انگلیسی مهیا کرده و به اردوی وی که اکنون به بیش از هزار نفر نمی‌رسید، حمله‌ور شدند. صولت‌الدوله پس از شکست از نیروهای هندی و پلیس جنوب در احمدآباد (جنوب شیراز)، در سیاح با نیروهای ائتلاف عشایری مخالف مواجه شد. پس از جنگ شدیدی که بین طرفین درگرفت، او به سمت فیروزآباد عقب‌نشینی کرد.<sup>۸</sup> بعد از عملیات مزبور، نیروهای هندی به شیراز مراجعت کردند. اما تعقیب صولت‌الدوله به نیروهای سردار احتشام و قوام‌الملک سپرده شد. فرمانفرما نیز با هزار نفر برای همراهی آنان به سمت کوار حرکت

۱. همان، پرونده ۵۳؛ ص ۵.

۲. رکن‌زاده آدمیت، همان؛ صص ۴۴۶-۴۴۵.

۳. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۶هـ.ق، کارتن ۶۲، پرونده ۵۲؛ ص ۷۵.

۴. سفیری، همان؛ صص ۲۴۶-۲۴۵.

۵. اسناد وزارت امور خارجه، همان.

۶. همان، کارتن ۶۶، پرونده ۵۳؛ ص ۵۶.

۷. همانجا.

۸. همانجا.



کرد. سرانجام در فیروزآباد پس از دو جنگی که بین فریقین درگرفت، صولت‌الدوله مجبور شد در مقابل سپاه پنجاه هزار نفری دشمنان، فیروزآباد را به قصد نواحی گرمسیری جنوب فارس ترک کند.<sup>۱</sup> حضور اغلب طرفداران صولت‌الدوله در منطقهٔ ییلاقی قشقایی‌ها در شمال فارس، گرمی هوای تابستان جنوب و از همه مهم‌تر شیوع بیماری آنفلوآنزا که تلفات سنگینی به نیروهای وی وارد ساخت، موجب تضعیف نیروهای رزمی صولت‌الدوله گردید.

این در حالی بود که با وجود بازگشت فرمانفرما و قوام‌الملک به شیراز، نیروهای سردار احتشام و محمدعلی‌خان کشکولی به تعقیب صولت‌الدوله می‌پرداختند. اما کشته شدن محمدخان کشکولی پسر عموی محمدعلی‌خان، باعث شد که آنان از ادامهٔ تعقیب صولت‌الدوله دست بردارند. مدتی بعد نیز با جدایی محمدعلی‌خان کشکولی از سردار احتشام، موقعیت مناسبی برای بازگشت صولت‌الدوله به فیروزآباد و گرفتن انتقام از وی فراهم گردید.

بدین ترتیب، سردار احتشام در فیروزآباد به محاصرهٔ نیروهای صولت‌الدوله درآمد و انگلیسی‌ها برای جلوگیری از شکست سردار احتشام نزدیک به ۱۲۰۰ نفر سواره و پیاده و توپچی هندی با چهار توپ کوهستانی و هجده توپ مسلسل تحت فرماندهی یکی از افسران ارشد انگلیسی به فیروزآباد اعزام کردند.<sup>۲</sup> علی‌رغم ورود نیروهای انگلیسی به فیروزآباد، به دلیل شیوع بیماری آنفلوآنزا که به صورت گسترده‌ای اپیدمی شده بود، بر اثر آن بر نیروهای طرفین تلفات سنگینی وارد شد. در نتیجه صولت‌الدوله به سمت فراشبند عقب‌نشینی کرد.<sup>۳</sup>

### مصالحه و پایان جنگ

با وجود اینکه در پاییز ۱۹۱۸ م. / ۱۳۳۷ هـ.ق. جنگ جهانی اوّل در جبههٔ بین‌الملل خاتمه یافته بود اما در فارس و جنوب ایران، کشمکش‌ها ادامه داشت.

انگلیسی‌ها به منظور بازگشایی جادهٔ تجارتي شیراز - بوشهر تلاش کردند تا از طریق مذاکره، امنیت را به این راه‌ها بازگردانند. صولت‌الدوله که توانسته بود آرامش نسبی در اوضاع خود به دست آورد، از فرمانفرما خواست تا به صورت مسالمت‌آمیز مسئله را حل نماید. فرمانفرما نیز رایزنی‌هایی برای نیل بدین منظور انجام داد.<sup>۴</sup>

از این رو با وساطت احمدخان دریایی‌گی حاکم بوشهر، مذاکراتی بین صولت‌الدوله و انگلیسی‌ها صورت گرفت. در این مذاکرات، مقرر گردید بر اساس شرایط بین طرفین مصالحه‌ای انجام شود. سرانجام توافقنامه‌ای بین طرفین به شرح ذیل به امضا رسید که مفاد آن عبارت بود از:

(۱) سردار احتشام موقتاً ایلخانی باشد ولی طوایفی که در خدمت سردار عشایر هستند، نزد او باقی بمانند؛

۱. همانجا.

۲. همان، سال ۱۳۳۷ هـ.ق.، کارتن ۶۶، پروندهٔ ۱۱؛ ص ۱.

۳. ایرجی، همان؛ ص ۱۲۵.

۴. اتحادیه و دیگران، همان؛ صص ۴۰۲ - ۴۰۱.



- ۲) کلیه اموال شخصی سردار عشایر به وی مسترد گردد؛
- ۳) سردار عشایر در فیروزآباد مستقر گردد؛
- ۴) محمد ناصرخان - فرزند ارشد سردار عشایر - به عنوان واسط بین والی و پدرش در شیراز اقامت کند؛
- ۵) انگلیسی‌ها تعهد کردند تا شش ماه دیگر، قوای هندی و انگلیسی را به استثنای محافظین قونسولگری، از ایران خارج سازند؛
- ۶) پلیس جنوب، حق ورود به خاک قشقایی را نداشته باشد؛
- ۷) به علت استخدام افسران انگلیسی از سوی دولت ایران، سردار عشایر با توقف آنان مخالفت نکند.<sup>۱</sup>
- همچنین صولت‌الدوله مبلغ بیست و هفت هزار تومان در بانک شاهنشاهی به عنوان ضمانت به وثیقه گذاشت تا مدت دو سال نزد بانک باقی بماند.<sup>۲</sup> بدین ترتیب، جنگ بین طرفین خاتمه یافت. کینه ناشی از رویارویی‌های مزبور در نزد دو طرف برقرار بود؛ به طوری که قشقایی‌ها پیوسته در حرکت‌های ضدانگلیسی در ایران فعالانه وارد عمل بشوند. از سوی دیگر، انگلیسی‌ها تلاش کردند تا با استفاده از نفوذ خود انسجام سیاسی ایل قشقایی را از بین ببرند که در این راستا ضربات جبران‌ناپذیری به قشقایی‌ها وارد گردید.

### حکومت مصدق‌السلطنه در فارس

در سال ۱۳۳۹ هـ.ق. به علت ناامنی‌هایی که در بعضی از نقاط فارس به‌ویژه جاده آباده - شیراز رخ داد، فرمانفرما از والی‌گری استعفا کرد. در این زمان، دکتر محمد مصدق‌السلطنه که از سفر اروپا بازمی‌گشت، از طریق بوشهر وارد شیراز شد. اهالی فارس اصرار کردند تا وی والی‌گری فارس را بپذیرد و با ارسال تلگرافی به نخست‌وزیر وقت، مشیرالدوله پیرنیا، خواستار انتصاب وی به این سمت شدند.<sup>۴</sup> این درخواست‌ها موجب شد تا هیئت دولت در ۲۵ صفر ۱۳۲۹ مصدق‌السلطنه را به والی‌گری فارس منصوب نماید.

با روی کار آمدن مصدق‌السلطنه، صولت‌الدوله نیز بخشی از اقتدار از دست رفته خویش را باز یافت. لذا وی سردار احتشام را که توانایی چندانی برای اداره ایل نداشت، عزل<sup>۵</sup> نمود و با انتصاب محمدناصرخان به مقام ایلخانی‌گری عملاً زمام امور را به صولت‌الدوله سپرد.

۱. ایرجی، همان؛ صص ۱۳۴-۱۳۳.

۲. اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۳۷، کارتن ۴۸، پرونده ۲۰؛ صص ۱۰-۶.

۳. در این زمان، اموال پرنس ارفع نماینده ایران در جامعه ملل که از طریق فارس به اروپا می‌رفت، به سرقت رفت که در ضمن این حادثه، پسر ارباب کیخسرو (نماینده زرتشتیان در مجلس) که به اتفاق وی برای تحصیل عازم اروپا بود، کشته شد. نک: مصدق، محمد، *خاطرات و تألمات مصدق*، به کوشش ایرج افشار (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۵)؛ صص ۱۲۲ و همو، *تقریرات مصدق در زندان*، به کوشش ایرج افشار (تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۵۹)؛ صص ۶۲.

۴. صولت قشقایی، محمدناصر، «خاطرات محمدناصر قشقایی»، مصاحبه‌کننده: حبیب لاجوردی (پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد)، لاس وگاس (آمریکا)، می ۱۹۸۳، نوار ش: ۱؛ صص ۱۲.

۵. مصدق، *خاطرات و تألمات مصدق*، همان؛ صص ۱۲۲.



در نتیجه این امر تا انتهای دوره زمامداری مصدق در فارس، رابطه دوستانه‌ای بین مصدق و صولت‌الدوله برقرار بود.<sup>۱</sup> از جمله اقدامات دیگر مصدق در فارس، عدم شناسایی رسمیت پلیس جنوب بود، چون در مراسم سلام والی، مرسوم بود که سران پلیس جنوب هم حاضر شوند لذا برای جلوگیری از رسمیت یافتن آنان نزد والی، دستور لغو مراسم سلام را صادر کرد.<sup>۲</sup>

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش. به وسیله رضاخان میرپنج و سیدضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد و انتصاب سیدضیاء به نخست‌وزیری از سوی احمد شاه<sup>۳</sup> مصدق السلطنه بنا به اعتراض به این انتصاب، حاضر نشد در دولت سیدضیاء سمت دولتی داشته باشد لذا از والی‌گری فارس استعفا کرد و در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۰۰ ه.ش. از این ایالت خارج شد.<sup>۴</sup> در متن نامه وی به صولت‌الدوله در این ارتباط چنین آمده است:

شیراز، ۱۶ حمل (فروردین) ۱۳۰۰ شمسی  
فدایت شوم!

چند ساعتی بیش نمانده است که از شیراز حرکت کنم. خدا گواه است از پیش‌آمدی که دست داد و در این مختصر توقف، روابطی که بین اخلاصمند و آقابان محترم هم‌وطنان عزیزم حاصل شد، فوق‌العاده متاثرم می‌دارد که به‌واسطه قضایای وارده، نتوانست خدمت خود را در این نقطه از وطن عزیز ادامه دهد. باری:

قضا دگر نشود و هر هزار ناله و آه  
به کفر یا به شکایت برآید از دهنی  
فرشته‌ای که وکیل است بر خزائن باد  
چه غم خورد که بمیرد چراغ پیرزنی<sup>۵</sup>

حقیقتاً اگر ممکن بود که تن به قضا بدهم برای خدمت، با کمال افتخار حاضر می‌شدم ولی افسوس پیش‌بینی‌های بنده، مانع شد از اینکه خود را مطیع احکام مرکز نمایم. این بود که استعفا داده و پس از قبول برحسب امر ملوکانه خود را عازم حرکت نموده؛ مخیر است که به‌واسطه عدم اطمینان از وضعیات و رفتار مرکز نسبت به شخص خود، خانواده را در شیراز گذارده؛ خود چندی در بوشهر و نقطه دیگری بماند تا سیاست مرکزی کاملاً روشن گردد، [تا] بعد به طرف تهران حرکت کند. اقوی که خانواده حاضر شد که تنها در شیراز بماند و حرکت دادن آن‌ها هم به طرف نقطه دیگری غیر از تهران از استطاعت مخلص، خارج بود. این است که فردای ۱۷ حمل آتی به طرف تهران حرکت و به خواست و ارضای الهی، شاکر و خوش‌وقت خواهیم بود. دیگر با این مختصر با حضرت عالی وداع می‌کنم و چون تا مدتی نمی‌خواهم با این قسمت از مملکت مکاتبه کنم، به طور غیرمستقیم از مجاری حالات و سلامت وجود محترم استفسار خواهم نمود و از خداوند بقای جنابعالی را خواهانم. امضا: مصدق السلطنه

۱. «اسناد تاریخی منتشر نشده ایل قشقایی»، با توضیح محمدابراهیم باستانی، ماهنامه نامه نور، آذر ۱۳۵۸، ش: ۴-۵؛ صص ۱۷۱-۱۷۲.
۲. مصدق، *تقریرات مصدق در زندان*، همان؛ ص ۱۵۶.
۳. نک: *اسناد کابینه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹*، گردآورنده: حسن مرسلوند (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۴)؛ صص ۳۵-۱.
۴. مصدق با ارسال دو نامه به صولت‌الدوله نسبت به جریان کودتای سیاه و استعفای خود اظهار نظر کرده است. نک: *تقریرات مصدق در زندان*، همان؛ صص ۶۴-۶۵.
۵. سعدی، *شیخ مصلح‌الدین عبدالله، گلستان* (باب هشتم: در آداب صحبت)، (چاپ‌های متعدد).



[حاشیه]: البته واضح است که سیاست فارس، تابع سیاست ایران و سیاست ایران، مطیع سیاست یک جماعتی از [...] ولی سیاست ارادتمند، مطیع وجدان خود است.<sup>۱</sup>

### همکاری اولیه صولت‌الدوله و رضاخان

وقتی رضاخان با دریافت لقب سردار سپه به وزارت جنگ رسید، صولت‌الدوله نیز با توجه به ارزیابی سیاسی خود به رضاخان نزدیک شد.<sup>۲</sup> در سال ۱۳۰۱ هـ.ش. وقتی احمد شاه در حال بازگشت از اروپا بود، صولت‌الدوله در بوشهر از وی استقبال کرد. سپس در پل آبگینه (شرق کازرون) ضیافت باشکوهی برای احمد شاه ترتیب داد. وی در هنگام صحبت خصوصی با احمد شاه، متوجه هراس وی از رضاخان گردید، در نتیجه دریافت که رضاخان به زودی به قدرت بزرگی مبدل خواهد شد.<sup>۳</sup>

رضاخان در آغاز در مواجهه با صولت‌الدوله مماشات می‌نمود؛ در نتیجه، این مسئله باعث مشارکت و همکاری آنان با یکدیگر شد. حتی صولت‌الدوله عده‌ای از سواران قشقایی را برای تشکیل گارد عشایری رضاخان به تهران اعزام داشت؛ از سوی دیگر، رضاخان از صولت‌الدوله به عنوان عاملی قدرتمند برای خنثی‌سازی شورش‌های ایلات دیگر، سود می‌برد.<sup>۴</sup>

### نمایندگی از حوزه جهرم در مجلس پنجم

پس از تثبیت اقتدار دولت در جنوب در سال ۱۳۰۲ هـ.ش. رضاخان درصدد تغییر سیاست خود در مقابل صولت‌الدوله برآمد. ابتدا صولت‌الدوله به عنوان نماینده مجلس (از شهرستان جهرم)<sup>۵</sup> به تهران آمد. این وکالت بیشتر حالت نوعی تبعید و تحت نظر قرار گرفتن داشت تا فعالیت پارلمانی. در غیبت صولت‌الدوله اداره ایل به محمدناصرخان، فرزند ارشد وی محول شد. اما از او خواسته شد تا در شیراز بماند. در این شرایط، کلانتران، طوایف خود را اداره می‌کردند.<sup>۶</sup>

از جمله فعالیت‌های صولت‌الدوله در مجلس پنجم می‌توان به جهت‌گیری وی در قبال لایحه سربازگیری اجباری اشاره داشت. وی در خلال مذاکرات مجلس در اسفند ۱۳۰۳، هنگام بحث درباره این بند از لایحه که طلاب علوم دینی را از قانون نظام اجباری معاف می‌کرد، اظهار داشت: اگر چنین بندی به

۱. مجموعه اسناد شخصی داریوش خان بهادری قشقایی.

2. Beck, Lois, *The Qashqai of Iran*, Yale University Press, London, 1986; p. 129.

۳. محمدناصر صولت قشقایی، همان؛ نوار ش: ۱؛ ص ۱۵ و محمدحسین صولت قشقایی، یادمانده‌ها؛ خاطراتی از محمدحسین قشقایی (تهران: فرزان روز، ۱۳۸۵)؛ ص ۱۵.

۴. بیات، کاوه، شورش عشایری فارس (۱۳۰۹-۱۳۰۷ هـ.ش.) (تهران: نقره، ۱۳۶۵)؛ ص ۱۳۶؛ ص ۲۰ و صولت قشقایی، محمدناصر، همان، نوار ش: ۱؛ ص ۱۶.

۵. براساس اعتبارنامه موجود در آرشیو مجلس، وی در تاریخ غره (اول) شهر جمادی‌الأولی سنه ۱۳۴۲ (۱۳۰۲ هـ.ش.) با اتخاذ ۵۶۵۵ رأی از مجموع ۹۴۰۱ رأی به نمایندگی از حوزه جهرم انتخاب شد. (آرشیو اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره دوم، سال ۱۳۰۲، اعتبارنامه‌های نمایندگان، ش: ۱۲۵). لازم به ذکر است که براساس قانون انتخابات مجلس، در این زمان، مناطق جهرم، فیروزآباد، فراشند و فیروکارزین به مرکزیت جهرم دارای یک کرسی نمایندگی بودند. البته ایل قشقایی نیز به طور مستقل دارای یک کرسی نمایندگی بود. (نک: مجموعه قوانین، عهدنامه‌ها و ... مصوبه مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه (تهران: مطبعه مجلس، بی تا)؛ صص ۴۳۱-۴۲۸). سیدابراهیم ضیاء‌الواعظین در دوره پنجم، نماینده ایل قشقایی بود.

6. Beck, op. cit; p.131.

تصویب برسد، او با خریدن چندین هزار توپ پارچه سفید و بستن آن به دور سر افراد ایل قشقایی، آنان را در زمره طلاب قرار داده و از رفتن به سربازی معاف خواهد کرد.<sup>۱</sup> پس از پایان گرفتن شورش شیخ خزعل در خوزستان، نظامیان فارس در رفتار خود با ایلات، جسورتر شدند؛ مرکز لشکر جنوب از اصفهان به شیراز منتقل شد.<sup>۲</sup> از این رو خلع سلاح ایلات و استقرار حاکم نظامی به جای رهبری سنتی ایل، در صدر برنامه حکومت مرکزی قرار گرفت.<sup>۳</sup>

### حاکمان نظامی ایل

مقامات لشکر جنوب، اقدامات گسترده‌ای برای حذف کامل سطوح بالای ساخت رهبری ایل که اعضا و منصوبان خاندان ایلخانی بودند، به عمل آوردند.<sup>۴</sup> دو تن از صاحب‌منصبانی که بر خلع سلاح نظارت داشتند، جایگزین رهبران عالی ایل شدند. یاور محمودخان به سمت حاکم نظامی قشقایی و سلطان عباس‌خان نیکبخت به معاونت او منصوب شدند؛ آن‌ها اداره امور داخلی و انتظامی ایل را بر عهده گرفتند.<sup>۵</sup> در آذر ماه سال ۱۳۰۴ هـ.ش. که به منظور تشکیل مجلس مؤسسان اول جهت تغییر سلطنت انتخاباتی برگزار شد، باز صولت‌الدوله از حوزه انتخابیه جهرم به این مجلس راه یافت.<sup>۶</sup> رضاخان با خلع سلطنت قاجاریه با تصویب مجلس مؤسسان، به عنوان شاه پهلوی بر سریر پادشاهی ایران جلوس کرد. صولت‌الدوله در جشن تاج‌گذاری حضور یافت.<sup>۷</sup> ناصرخان که به صورت صوری، سرپرستی ایل را برعهده داشت، وادار شد تا منطقه را ترک کرده و در کنار پدر خود، در تهران اقامت گزیند.<sup>۸</sup> سپس به آن‌ها دستور داده شد تا در خلع سلاح قشقایی‌ها دولت را یاری دهد. بنا به نوشته ابرلینگ در این خلع سلاح، ۷۰ هزار قبضه اسلحه تحویل مقامات دولتی گردید.

### دستگیری صولت‌الدوله و شورش قشقایی‌ها

عدم شناخت صحیح واقعیات کوچ‌نشینی و قواعد و ضوابط آن از سوی مقامات نظامی، مشکلات زیادی را به بار آورد؛ در این میان، طمع‌ورزی و فساد برخی از صاحب منصب‌ها<sup>۹</sup> و دخالت مستقیم مأمورین مالیه

۱. کرونین، استفانی، ارتش و حکومت پهلوی، ترجمه غلامرضا علی‌بابایی (تهران: خجسته، ۱۳۷۷)؛ ص ۲۳۴.

۲. بیات، همان؛ ص ۲۴.

3. Lieute, Magee, *Tribes of Fars*, Intellegence Crops, India, 1945; p. 1.

۴. بیات، همان؛ ص ۲۵.

۵. همان و صولت قشقایی، محمدحسین، همان؛ ص ۲۳.

۶. براساس اعتبارنامه وی در انتخاباتی که در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۰۴ در حوزه انتخابیه جهرم برگزار شد، از مجموع ۲۱۱۹ آراء مأخوذه، صولت‌الدوله با کسب ۱۹۱۰ رأی به مجلس مؤسسان راه یافت. مجموعه اسناد شخصی ملک‌منصور قشقایی و منوچهر نظری، رجال پارلمانی ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی) (تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۸)؛ ص ۶۵۸.

7. Beck, op. cit. p.130.

۸. صولت قشقایی، محمدناصر، همان، نوار ش: ۱؛ ص ۱۷.

۹. صولت قشقایی، محمدحسین، همان؛ ص ۲۴.



در اخذ مالیات از ایلات، از عوامل نارضایتی مردم ایلات از دولتی‌ها بود که به تدریج تبدیل به شورش گسترده در میان ایل‌ها گردید.<sup>۱</sup>

در پاییز سال ۱۳۰۷ بین عشایر بویراحمدی و نیروهای دولتی، جنگ سختی در گرفت که سرآغاز برخوردهای خونین فارس محسوب می‌شد. مقامات نظامی با اجبار عده‌ای از سواران، ایل قشقایی را برای سرکوب این شورش همراه بردند. اما این نبرد به جنگ دورگ مدو مشهور گشت. با دلاوری‌های کای لهراسب یکی از شجاع‌ترین چهره‌های عشایر آن زمان، شکست سنگینی به نیروهای دولتی وارد آمد. در پی جنگ دورگ مدو در تهران صولت‌الدوله را به اتهام تحریک بویراحمدی‌ها به شورش و اغتشاش و به عنوان یکی از مسببین این جنگ بازداشت کردند.<sup>۲</sup> اما وی با وساطت مستوفی‌الممالک از زندان آزاد گردید.<sup>۳</sup> اغتشاشات پراکنده و نارضایتی ایلات باعث شد تا رضا شاه هیئتی را به سرپرستی سرتیپ ناصرالدوله فیروز به فارس جهت بازرسی اعزام کند. آن‌ها پس از تحقیقاتی سلطان عباس‌خان را بازداشت کردند.<sup>۴</sup> تقریباً تمام کلانتران قشقایی در مورد تعدّیات او و دیگر مقامات نظامی، شکایت‌های زیادی به هیئت بازرسی تسلیم کردند.<sup>۵</sup>

پس از مدتی سرتیپ شاه‌بختی به ریاست تیپ فارس منصوب و به سمت حکومت نظامی قشقایی گماشته شد. سلطان عباس‌خان نیز با پرداخت رشوه‌ای گزاف به شاه‌بختی، از زندان آزاد و به حکومت نظامی قشقایی منصوب گردید. وی که تصمیم به انتقام‌گیری داشت، به تعقیب و دستگیری برخی از یاعیان قشقایی پرداخت. اولین حرکت قشقایی‌ها از میان طایفه عمله آغاز شد. از آنجایی که همیشه برای ائتلاف طایفه‌های ایل، وجود شخصی از خاندان ایلخانی ضرورت داشت، حضور علی‌خان سالار حشمت برادر و سهراب خان بهادری قشقایی داماد صولت‌الدوله امکان مقاومت گسترده‌ای را ایجاد کرد. بیشتر کلانتران و کدخدایان طایفه‌ها گرد علی‌خان و سهراب‌خان جمع شدند و یک‌زبان، خواستار بازگشت صولت‌الدوله به فارس گردیدند.<sup>۶</sup>

در تهران نیز به دنبال تعرّضات و تحولات جدید فارس صولت‌الدوله مجدداً دستگیر شد؛ از سوی دیگر، سلطان عباس‌خان در حین تعقیب شورشیان در فرابند، به محاصره نیروهای قشقایی<sup>۷</sup> درآمد. این عمل اولین اقدام قابل توجه شورشیان و اعلام رسمی جنگ به شمار می‌رفت. در این واقعه پس از خلع سلاح نیروهای وی، او تنها با وساطت سادات محل توانست جان سالم به در ببرد. اما در پی بازگشت به شیراز، او

۱. همانجا.

۲. نظری، همان؛ ص ۶۵۷.

۳. رضاشاه در ازای آزادی صولت‌الدوله، مبلغ یکصد هزار تومان وجه نقد از وی گرفت. (صولت قشقایی، محمدناصر، همان، نوار ش: ۱؛ ص ۱۶).

۴. صولت قشقایی، همان؛ ص ۲۶.

۵. بیات، همان؛ ص ۴۶.

۶. همان؛ ص ۴۱.

۷. صولت قشقایی، همان؛ ص ۲۹.

بار دیگر بازداشت شد و برای همیشه از صحنه عملیات قشقایی خارج گردید. پس از وی سرهنگ قاسم‌خان به حکومت نظامی ایل قشقایی منصوب شد.<sup>۱</sup>

در شیراز مقامات حکومتی تلاش می‌کردند تا شورش را خاموش سازند. ابتدا مسیح‌خان فارسیمدان را به نزد علی‌خان و سهراب‌خان فرستادند تا آن‌ها را به سازش دعوت کند. اما خود وی به قیام‌کنندگان پیوست. سپس کلانتران دیگر قشقایی از جمله حسین‌خان دره شوری، الیاس‌خان کشکولی از طرف والی فارس با وعده و وعید به دیدار مسیح‌خان رفتند که آن‌ها نیز با اصرار مسیح‌خان به شورشیان ملحق شدند.<sup>۲</sup> در نتیجه، این حرکت تمام گروه‌ها و طایفه‌های بزرگ قشقایی و سران بزرگ و کوچک روستاها و بلوکات را متحد ساخت.<sup>۳</sup> سران ایلات دیگر نواحی فارس نیز از جمله بویراحمد، ممسنی، خمسه، دشتستانی‌ها، تنگستانی‌ها و دشتی‌ها و علاوه بر آن، برخی از طوایف کوچک و تعدادی از روستاییان به مقاومت پیوستند. برای نخستین بار در تاریخ شناخته شده فارس، گروه‌های گوناگون از لحاظ سیاسی و نظامی متحد شدند. اتحاد این گروه‌ها تنها به خاطر عکس‌العمل به سیاست‌های سرکوب‌گرانه در حال افزایش دولت بود، نه به واسطه درنده‌خویی و خشونت‌گریزی آنان که برخی از نویسندگان (وابسته به دربار) ذکر کرده‌اند.<sup>۴</sup>

علی‌رغم پیشروی تدریجی نیروهای شورشی و برخوردهای پراکنده با قوای دولتی، مذاکرات با مأموران دولتی نیز ادامه داشت. شورشی‌ها درخواست خود را به شرح زیر اعلام کردند: آزادی صولت‌الدوله، انتصاب وی یا فرزند ارشدش به مقام ایلخانی قشقایی، لغو خلع سلاح، لغو قانون سربازگیری اجباری از ایل قشقایی، لغو اجرای قانون لباس متحدالشکل در مورد قشقایی‌ها، رفع تضيیقات اداره سجل احوال (ثبت احوال)، جمع‌آوری مالیات توسط ایلخانی، عدم انحصار دولتی قند و شکر، تنباکو و به‌ویژه تریاک در منطقه قشقایی.<sup>۵</sup>

در حالی که شورشیان به شیراز نزدیک می‌شدند، این تحولات به‌شدت رضا شاه را به خشم آورد. او برای سرکوب قشقایی‌ها چندین واحد نظامی را از اقصی نقاط کشور به جنوب اعزام داشت و برای سرکوب مخالفان از دولت بریتانیا درخواست هواپیما کرد.<sup>۶</sup>

### اعزام ملک منصورخان قشقایی به فارس

ملک منصورخان پسر دوم صولت‌الدوله همراه با سایر اعضای خانواده، در تهران در تبعید به سر می‌برد. وی روزی بی‌مقدمه به دربار احضار شد و رضا شاه از او خواست تا به فارس رفته و شورشیان را به آرامش دعوت کند.<sup>۷</sup> ملک منصورخان به شیراز اعزام شد. وی فوراً در آق‌چشمه به دیدار سران شورشی قشقایی رفت. اما او نیز پس از دیدار و گفت‌وگو با قشقایی‌ها خود نیز به شورشیان پیوست.

۱. بیات، همان؛ ص ۴۱.

۲. همان؛ ص ۵۰.

۳. همان؛ صص ۵۳-۵۴.

۵. بیات، همان؛ ص ۵۹.

4. Beck, op. cit, p. 134.

6. Beck, op. cit, p. 135.

۷. مصاحبه نگارنده با ملک منصورخان قشقایی (تهران، اسفند ۱۳۷۷).



در اولین اقدام نظامی، قشقایی‌ها به سرعت بر بخش عمده جاده‌های شیراز - بوشهر و شیراز - آباده مسلط شدند؛ پاسگاه‌های ژاندارمری را تسخیر کردند و در ارتفاعات جنوب شیراز موضع گرفتند.<sup>۱</sup> در نتیجه تحولات مزبور، اکبر میرزا والی فارس و سرلشکر زاهدی به تهران احضار و همراه با فیروز میرزا نصرت‌الدوله وزیر مالیه به اتهام دست داشتن در شورش و اقدامات خائنانه در فارس، دستگیر و زندانی شدند.<sup>۲</sup>

سرلشکر حبیب‌الله شیبانی به عنوان فرمانده کل لشکر جنوب منصوب گشت. او مأموریت یافته بود تا اغتشاشات موجود در فارس را خاتمه دهد. نیروهای موتوری سرلشکر شیبانی در پل خان مورد شیبخون نیروهای قشقایی قرار گرفت و عده‌ای از سربازان و افسران تحت امر وی کشته شدند،<sup>۳</sup> و مقادیری سلاح و مهمات به غنیمت قشقایی‌ها درآمد.

نیروهای علی‌خان سالار نیز از جنوب شیراز، شیبخونی به نیروهای سرلشکر شیبانی وارد ساختند. افراد تحت امر مهدی سرخی و تفنگچیان طایفه عمله به رهبری شیروان خان اردکپان نیز به فرودگاه نظامی شهر حمله برده و تعدادی از هواپیماها را به آتش کشیدند. در این عملیات، تلفات زیادی بر نظامیان وارد شد. از نیروهای مخالف نیز بین بیست تا سی تن کشته شدند.<sup>۴</sup>

### ایلخانی‌گری ملک منصور خان

در ادامه تلاش‌های سرلشکر شیبانی برای یافتن راه حل مسالمت‌آمیز برای این قضیه، ملک منصورخان قشقایی رسماً به سمت ایلخانی قشقایی منصوب شد. این اقدامی در جهت آرام ساختن اوضاع بود. بنا به اصرار سرلشکر شیبانی، مهم‌ترین خواسته قشقایی‌ها که بازگشت صولت‌الدوله بود، انجام شد و صولت‌الدوله از زندان آزاد و با هواپیمای مخصوص به شیراز اعزام گردید. با ورود صولت‌الدوله به فارس، به میزان زیادی از تشنجات کاسته شد.<sup>۵</sup> سپس با اعلام خبر عفو عمومی از سوی دولت، شورش در فارس فروکش کرد.

### جنگ تامرادی

در تابستان ۱۳۰۹ ه.ش. سرلشکر شیبانی پس از آرام ساختن نقاط دیگر فارس برای سرکوب عشایر بویراحمد و ممسنی که هنوز تسلیم نشده بودند، نیروهای خود را بسیج کرد و از قشقایی‌ها درخواست کرد تا وی را همراهی کنند. ناصرخان با برخی از سران طوایف با ۵۰۰ نفر از قشقایی‌ها به آنها پیوستند. ناصرخان تلاش زیادی کرد تا شیبانی را از این حمله منصرف کند. اما تلاش‌های وی به نتیجه‌ای نرسید و نیروهای دولتی در تنگ تامرادی محاصره شدند و پس از نبرد شدید بین دو طرف، تلفات سنگینی به

۱. همانجا.

2. Oberling, op. cit, p. 157.

۳. یکرنگیان، میرحسین، گلگون‌کفنان؛ گوشه‌ای از تاریخ نظامی معاصر ایران (تهران: محمدعلی علمی، ۱۳۳۹)؛ صص ۴۱-۴۰.

۴. بیات، همان؛ ص ۶۸.

۵. مصاحبه نگارنده با ملک منصورخان قشقایی (تهران، اسفند ۱۳۷۷).

نیروهای دولتی وارد گردید.<sup>۱</sup> پس از این شکست، شیبانی به تهران احضار شد و سرهنگ ابراهیم زندیه به جای وی منصوب گردید.

### نمایندگی در مجلس هشتم

در سال ۱۳۰۹ صولت‌الدوله و ناصرخان باز هم به عنوان نماینده مجلس در دوره هشتم به تهران فراخوانده شدند.<sup>۲</sup> حبیب‌الله شیبانی پس از مدتی دستگیر و زندانی شد، و در همان سال، سرهنگ زندیه خلع سلاح ایل قشقایی را آغاز کرد و سرهنگ شاکر نیز به سمت حکومت نظامی ایل تعیین گردید.<sup>۳</sup> بدین ترتیب همان وضع سابق مجدداً ایجاد شد. ملک منصورخان که ادامه کار را غیرممکن می‌دید، عازم تهران و پس از مدتی از طریق روسیه برای تحصیل عازم اروپا شد. از آن پس نیز حکومت مرکزی، عنوان ایلخانی را به طور رسمی به هیچ‌یک از خاندان ایلخانی قشقایی نداد.<sup>۴</sup>

رضاشاه با بهره‌گیری از این فرصت، به انتقام‌جویی از عاملین وقایع گذشته پرداخت و در این راستا در زمستان سال ۱۳۱۰ هـ.ش. عده‌ای از خوانین و کلانتران از جمله سهراب‌خان بهادری قشقایی، حمزه‌خان کشکولی و تعدادی از دیگر اطرافیان صولت‌الدوله را به تهران تبعید کرد.<sup>۵</sup>

### اولین سلب مصونیت در تاریخ مجلس شورای ملی

در ۶ شهریور ۱۳۱۱ هـ.ش. مستوفی‌الممالک درگذشت.<sup>۶</sup> او یار و یاور صولت‌الدوله بود و نیز مانع مؤثری در مقابل تندروی‌ها و تسویه‌حساب‌های رضا شاه با شخصیت‌های پرنفوذ محسوب می‌شد.<sup>۷</sup> دو روز بعد علی منصور وزیر داخله در ۸ شهریور ۱۳۱۱ لایحه سلب مصونیت صولت‌الدوله و ناصرخان را به مجلس تقدیم کرد. وی در این جلسه، نطق مفصلی راجع به رخدادهای مجلس ایراد نمود. او خطاب به نمایندگان گفت:

دولت زحمات و دشواری‌های فراوانی به منظور اعاده امنیت، متحمل گشته تا به خودسری‌ها و استمرار ملوک‌الطوایفی پایان دهد؛ با این همه، هنوز آثار آن، گاه چهره می‌نماید. برخی افراد با اینکه نسبت به

۱. صولت قشقایی، محمدحسین، همان؛ صص ۳۶-۳۴.

۲. براساس اعتبارنامه موجود در آرشیو مجلس، وی در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۰۹ هـ.ش. با اتخاذ ۸۸۵۴ رأی از مجموع ۹۷۳۱ رأی به نمایندگی از حوزه چهارم انتخاب شد. (آرشیو اسناد مجلس، دوره هشتم، سال ۱۳۰۹، اعتبارنامه‌های نمایندگان، ش: ۱۱۱) علاوه بر این در این دوره، ناصرخان با کسب ۱۰۱۰۰ رأی از مجموع ۱۱۰۸۲ رأی به عنوان نماینده حوزه ایل قشقایی به مجلس راه یافت. (همان؛ ش: ۶۷).

3. Beck, op. cit, p. 137.

۴. مصاحبه نگارنده با ملک منصورخان قشقایی (تهران، اسفند ۱۳۷۷).

۵. بیات، همان؛ ص ۱۲۶.

۶. مستوفی، ظهر ۶ شهریور ۱۳۱۱ در حالی که در منزل سردار فاخر حکمت واقع در امامزاده قاسم شمیران مهمان بود، به علت سکت قلبی درگذشت. در آن جلسه، صاحب اختیار، دکتر مهدی ملک‌زاده و صولت‌الدوله نیز حضور داشتند. (روزنامه اطلاعات، سال هفتم، ش: ۱۶۹۰ (مورخ ۱۷/۶/۱۳۱۱)؛ ص ۱).

۷. گویا رضاشاه در زمان حیات مستوفی‌الممالک قصد داشته تا صولت‌الدوله و ناصرخان را سلب مصونیت کند اما به دلیل احترامی که به مستوفی داشت، از این امر امتناع می‌کرد اما به محض فوت وی، رضاشاه نقشه خود را عملی کرد. (مسعودی، عباس، اطلاعات در یک ربع قرن (تهران: روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۵)؛ ص ۹۵).

تعویض املاک آنان اقدام شده تا مجبور نباشند در محیط سابق بمانند و در رخدادها و درگیری‌ها و مسائل محل مداخله نمایند، لیکن متأسفانه از این اقدام سر پیچیده و خیالاتی در سر می‌پروراند.

منصور در ادامه صولت‌الدوله و ناصرخان را متهم ساخت که:

در حوادث فارس و جنگ‌هایی که دو سال قبل در میان عشایر فارس رخ داده، آن‌ها باطناً و مخفیانه با شورشیان ارتباط داشته‌اند.

و خواستار سلب مصونیت آنان گردید<sup>۱</sup> و در پایان، لایحه زیر را تقدیم مجلس نمود:

مجلس شورای ملی اجازه می‌دهد که آقایان اسماعیل خان قشقایی و ناصرخان قشقایی را دولت مورد تعقیب جزایی قرار داده و پس از تکمیل اکتشاف و چگونگی مطلب، مراتب را به استحضار مجلس شورای ملی برساند.

نمایندگان مجلس لایحه را بدون مباحثه چندانی تصویب کردند،<sup>۲</sup> و در نتیجه آنان در ۱۵ شهریور ۱۳۱۱ بازداشت شدند. برغم تصریح قانون اساسی مشروطه و آیین‌نامه‌های داخلی مجلس شورای ملی مبنی بر مصونیت نمایندگان مجلس در دوران نمایندگی، این اقدام، نقض قانون اساسی بود. البته در نوع خود اولین لایحه، سلب مصونیت در تاریخ مجلس محسوب می‌شد و پس از این زمان، سلب مصونیت از نمایندگان مجلس در دوره رضا شاه، به یک سنت سیاسی تبدیل شد و بارها به اجرا درآمد.<sup>۳</sup>

### قتل صولت‌الدوله در زندان قصر قجر

صولت‌الدوله پس از چند ماه حبس در زندان قصر قجر، سرانجام در مرداد ۱۳۱۲ هـ.ش. درگذشت. برخی بر این باورند که وی را با تزریق سم<sup>۴</sup> یا با قهوه سمی موسوم به قهوه پهلوی مسموم ساخته‌اند. لوئیزیک درباره قتل صولت‌الدوله چنین نوشته است:

فرزندان اسماعیل خان [صولت‌الدوله] معتقدند که انگلستان رضا شاه را مجبور کرد تا دست به این کار بزند و گواه آن را پیام ارسالی رضا شاه برای همسر اسماعیل خان که «این کار را من انجام نداده‌ام»، اظهار می‌دارند. اسماعیل خان از سلامتی خوبی برخوردار بود. یک روز قبل از مرگش نامه‌ای طولانی نوشت که می‌تواند دلیلی باشد که مرگ او غیرطبیعی بوده است.<sup>۵</sup>

۱. روزنامه اطلاعات، سال هفتم، ش: ۱۶۹۱ (مورخ ۸/۱۶/۱۳۱۱)؛ ص ۱.

۲. همانجا. برخی از مورخان، علت اصلی این برخورد با قشقایی‌ها به‌ویژه صولت‌الدوله را مخالفت و اقدامات مستمر علیه انگلیسی‌ها می‌دانند. (مکی، حسین، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۵ (تهران: علمی، ۱۳۷۴)؛ صص ۱۶۵-۱۶۴).

۳. در نهمین دوره قانون‌گذاری، از نمایندگان مختلف، سلب مصونیت گردید؛ در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۱۲ از حاج سیدحسین‌الله امین (امین‌التجار) نماینده اصفهان، در جلسه ۵۳ یکشنبه ۱۹ آذر ۱۳۱۲ از محمدتقی اسعد بختیاری (امیرجنگ) نماینده شهرستان دزفول، و نیز در جلسه ۱۹ آذر ۱۳۱۲ از امیرحسین‌خان ایلخانی (ایلخان ظفر بختیار) نماینده نجف‌آباد سلب مصونیت گردید. اما معروف‌ترین نمونه سلب مصونیت به تیمورتاش وزیر دربار و نماینده مجلس نهم از نیشابور مربوط می‌شود. انتخاب وی با تعقیب قضایی‌اش همراه شد، لذا به دستور رضا شاه هنگام رسیدگی به اعتبارنامه‌های نمایندگان، بی‌درنگ اعتبارنامه او را مردود اعلام کردند. (ملای‌توانی، علیرضا، «نگاهی به سلب مصونیت پارلمانی در دوره رضا شاه»، فصلنامه اسناد بهارستان، ضمیمه سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰ ویژه‌نامه دومین نشست تخصصی تاریخ مجلس)؛ صص ۳۷۵-۳۷۳).

۴. دکتر سعیدخان کردستانی پزشک مخصوص صولت‌الدوله وقتی بر سر جسد صولت‌الدوله حاضر گردید، مرگ وی را بر اثر تزریق سم اعلام کرد. (قاسمی، ابوالفضل، تاریخ سیاه یا حکومت خانواده‌ها در ایران؛ خانواده قشقایی (بی‌جا، چاپخانه نقش جهان، بی‌تا)؛ ص ۷۸).

5. Beck, op. cit, p. 137.



دولت اجازه نداد که حتی جسد صولت‌الدوله در فارس دفن شود. جسد وی را ابتدا در جوار بقعه امامزاده عبدالله در شهر ری به امانت سپردند<sup>۱</sup> تا در فرصت مناسب به خاک بسپارند اما مدتی بعد شایع شد که مأموران امنیتی رضاشاه قصد دارند جسد وی را از بین ببرند؛ لذا قشقایی‌های تبعیدی در تهران، جسد صولت‌الدوله را در جوار بقعه امامزاده عبدالله دفن کردند.

### نتیجه

صولت‌الدوله از جمله ایلخانی‌های قدرتمند ایل قشقایی در طول تاریخ این ایل محسوب می‌شود. وی که با تکیه بر درایت سیاسی خویش توانسته بود قلمرو نفوذ خود را به‌شدت گسترش دهد، با رقبا و حریفان قدرتمندی روبه‌رو گردید. رویارویی صولت‌الدوله با نیروهای انگلیسی در دوران جنگ جهانی اول برغم اینکه وی را در سطح بین‌المللی نیز مطرح نمود اما ضربات جبران‌ناپذیری نیز به او وارد کرد. قدرت‌یابی رضاخان و برقراری رابطه دوستانه بین طرفین، این خوش‌بینی را در ذهن صولت‌الدوله ایجاد نمود که با تکیه بر این روابط بتواند موقعیت سیاسی سابق خویش را بازسازی نماید اما این ماه عسل سیاسی نیز به زودی پایان یافت، زیرا در راستای برنامه‌های تمرکزگرایی و ایجاد حکومت مرکزی قدرتمند، دیگر جایی برای قدرت‌های متنفذ محلی نبود. از این رو تصفیه خشن سیاسی دوران پهلوی اول، دامنگیر وی و ایل قشقایی نیز شد.



۱. امانت گذاشتن، به این معناست که میت را مانند سایر میت‌ها دفن شرعی کنند لیکن نیت آن‌ها این باشد که امانت است تا بعداً به جای دیگر منتقل شود. برای جلوگیری از هتک حرمت میت در هنگام این انتقال معمولاً جسد با تابوت در قبر نهاده می‌شود.



## [اسناد پیوست]

از کارگزاری فارس به وزارت امور خارجه؛ اول شوال ۱۳۳۷

کارگزاری مهمام خارجه فارس؛ سواد مراسله کارگزاری به قونسولگری انگلیس، شهر شوال المکرم ۱۳۳۷. با کمال احترام، به استحضار خاطر شریف می‌رساند که درخصوص مبلغ بیست و هفت هزار تومان از مال سردار عشایر که بر حسب خواهش جناب عالی و موافق قرارداد بایستی به عنوان حق الضمانه عملیات سردار مشارالیه تا دو سال به اسم قونسولگری محترم در بانک شاهنشاهی تجیر باشد، اینک به موجب این مراسله، وجه مزبور به اسم قونسولگری، تحویل بانک شاهنشاهی گردید. قبض، دریافت و قبض مذکور را لغاً ارسال و به طوری که فوق‌الذکر گردید، این وجه تا مدت دو سال در تحت نظر کارگزاری و قونسولگری محترم در بانک، توقیف و تنزیل معموله را بانک به سردار عشایر خواهد پرداخت و پس از انقضای مدت دو سال، سردار عشایر حق خواهد داشت که وجه مزبور را به استحضار کارگزاری و قونسولگری در بانک اخذ و دریافت نماید و چنانچه خودش نباشد، حق محمدناصرخان پسر بزرگ اوست و اگر خدای نخواسته او هم نباشد، به [ملک] منصورخان پسر دویمی معزی‌الیه عاید خواهد گردید. خواهشمند است وصول قبض بانک را از قونسولگری محترم هم سردار عشایر صادر و برای دوستدار بفرستید که برای معزی‌الیه ارسال گردد. [حاشیه: سواد مراسله است که از کارگزاری به قونسولگری انگلیس نوشته شده و مطابق اصل است. امضا و مهر کارگزاری فارس].

از ارفع الدوله به صولت الدوله؛ ۱۳ ربیع الأول ۱۳۳۹

قربانت شوم!

البته آقای محمدناصرخان شرح اقدامات بنده را با مقامات لازمه که در ظرف این هفته به عمل آورده‌ام مفصلاً معروض حضور مبارک نوشته‌اند. عرض می‌کنم که بحمدالله بر وفق آرزوست، همه کار و بار دولت. شب گذشته، تأمینات مقتضیه را گرفتم. خاطر عالی، مطمئن بوده؛ بدون دقیقه درنگ عازم شیراز شده و در دولتخانه خودتان نزول اجلال بفرمایید که - ان شاء الله - قبل از حرکت خودم که برای صبح روز چهارشنبه بیستم ربیع الأول معین شده، حضرت مستطاب اجل عالی را ببینم و با بودن بنده در اینجا با آقایان ملاقات بفرمایید که با خاطر خرم که در میان هم‌وطنان عزیز خودم وسیله صلح و صفا شدم، از این شهر مینوبهر بروم. زیاد ایام شوکت مستدام باد. ارفع الدوله [امضا]

از مصدق السلطنه به صولت الدوله؛ ۱۶ حمل (فروردین) ۱۳۰۰ هـ.ش.

شیراز؛ ۱۶ حمل ۱۳۰۰ شمسی

فدایت شوم!

چند ساعتی پیش نمانده است که از شیراز حرکت کنم. خدا گواه است از پیش آمدی که دست داد و در این مختصر توقف، روابطی که بین اخلاصمند و آقایان محترم هم‌وطنان عزیزم حاصل شد، فوق‌العاده متأثرم می‌دارد که به واسطه قضایای وارده نتوانست خدمت خود را در این نقطه از وطن عزیز ادامه دهد. باری:

قضا دگر نشود و هزار ناله و آه

به کفر یا به شکایت برآید از دهنی

فرشته‌ای که وکیل است بر خزاین باد

چه غم خورد که بمیرد چراغ پیرزنی<sup>۱</sup>

حقیقتاً اگر ممکن بود که تن به فضا بدهم، برای خدمت با کمال افتخار حاضر می‌شدم ولی افسوس پیش‌بینی‌های بنده، مانع شد از اینکه خود را مطیع احکام مرکز نمایم. این بود که استعفا داده و پس از قبول برحسب امر ملوکانه خود را عازم حرکت نموده؛ مخیر است که به واسطه عدم اطمینان از وضعیات و رفتار مرکز نسبت به شخص خود، خانواده را در شیراز گذارده؛ خود چندی در بوشهر و نقطه دیگری بماند تا سیاست مرکزی کاملاً روشن گردد، [تا] بعد به طرف تهران حرکت کند. اقوی که خانواده حاضر شد که تنها در شیراز بماند و حرکت دادن آن‌ها هم به طرف نقطه دیگری غیر از تهران از استطاعت مخلص خارج بود. این است که فردای ۱۷ حمل آتی به طرف تهران حرکت و به خواست و ارضای الهی، شاکر و خوش‌وقت خواهیم بود. دیگر با این مختصر با حضرت‌عالی وداع می‌کنم و چون تا مدتی نمی‌خواهم با این قسمت از مملکت مکاتبه کنم، به طور غیرمستقیم از مجاری حالات و سلامت وجود محترم استفسار خواهم نمود و از خداوند بقای جنابعالی را خواهانم. [امضا:] مصدق‌السلطنه

[حاشیه سمت راست سند:] البته واضح است که سیاست فارس، تابع سیاست ایران و سیاست ایران، مطیع سیاست یک جماعتی از [...] ولی سیاست ارادتمند، مطیع وجدان خود است.

از سردار سپه به صولت‌الدوله؛ ۱۳۰۲

جناب مستطاب اجل آقای سردار عشایر - دام اقباله

رمز ۱۱ میزان، واصل، و از مفاد آن، مستحضر شدم؛ به طوری که کراراً گفته‌ام من کمال محبت و همراهی را با شخص شما و تمام بستگانتان داشته و دارم و همه شما را از خود می‌دانم. راجع به انتخابات به ایالت و رئیس قشون اکیداً قذغن گردید که برای نمایندگی شما از جهرم کمال مساعدت را به عمل بیاورند. همان‌طوری که دستور داده‌ام، شما هم باید اقدامات خودتان را تعقیب نمایید. در رفاهیت و آسایش شما هم دستور لازم داده شده است. وزیر جنگ و فرمانده کل قشون: رضا

از حاکم جهرم به صولت‌الدوله قشقایی؛ ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۰۲

وزارت جلیله داخله، ایالت جلیله فارس، حکومت جهرم و مضافات، مورخه ۲۶ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۴۲

مطاق ۱۴ برج جدی تنکوزئیل ۱۳۰۲ نمره ۳۳۹

مقام محترم حضرت اشرف آقای سردار عشایر نماینده محترم مجلس شورای ملی - شید الله ارکانه مرقومه محترمه مورخه ۲۶ شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۳۴۲ مشعر بر قبول نمایندگی جهرم عز وصول پذیرفت. لذا حسب‌الأمر ایالت جلیله عظمی مملکت فارس، یک نسخه اعتبارنامه لفاً ایفاد نمود؛ متمنی است رسید اعتبارنامه را مرقوم دارید و در خاتمه زاید نمی‌داند که خاطر محترم را مسبوق دارد که یک نسخه اعتبارنامه چاپی با صورت مجلس انتخابات مستقیماً به وزارت جلیله داخله فرستاده شد.

[امضا و مهر حاکم جهرم]

۱. سعدی، همان.



از والی فارس به صولت‌الدوله قشقایی؛ ۱۳۰۲/۱۰/۲۳]

وزارت جلیله داخله، ایالت فارس، نمره ۵۷۰۴، تاریخ ۲۳ جدی ۱۳۰۲

جناب مستطاب اجل آقای سردار عشایر دام اقباله

مشروحه مورخه ۲۴ جمادی‌الأول جناب‌عالی در قبل وکالت از جهرم واصل و با کمال مسرت خاطر که دارم وکالت شما را در این دوره پنجم تقنینیه تبریک و تهنیت می‌گویم. و فوراً هم به وزارت جلیله داخله قبول جناب‌عالی را به نمایندگی جهرم تلگراف کردم و امیدوارم به خدمات مملکتی موفقیت کامل حاصل نمایید. [محل امضا و مهر والی فارس]

از والی فارس به صولت‌الدوله قشقایی؛ ۱۳۰۲/۱۰/۲۶]

وزارت داخله، ایالت فارس، نمره ۵۸۲۴، تاریخ ۲۶ جدی ۱۳۰۲

جناب مستطاب اجل آقای سردار عشایر نماینده محترم مجلس شورای ملی - دام اقباله

سواد نمره ۵۵۷۴ مورخه ۲۵ جدی، وزارت جلیله داخله را فرستادم. باید طوری حرکت کنید که حتماً برای اول رجب، تهران باشید. منتظر تسریع در جوابم که به تهران مخابره شود. [امضا و مهر والی فارس]

[صولت‌الدوله قشقایی به وزیر داخله؛ آذر ماه ۱۳۰۴]

مقام منبع وزارت جلیله داخله - دامت شوکتها

مراسله آن وزارت جلیله دایر به انتخابات بنده از جهرم برای مجلس مؤسسان، زیارت گردید. با اظهار تشکر از حسن ظن اهالی، قبول انتخابات فوق را جواباً معروض داشته و احترامات فائقه را تقدیم می‌دارم.

[وزارت داخله به والی فارس؛ ۱۳۰۴/۱۱/۷]

وزارت داخله، اداره جنوب، به تاریخ ۷ بهمن سنه ۱۳۰۴، نمره ۵۹۷۶

ایالت جلیله فارس

جناب آقای اسماعیل خان نماینده محترم جهرم

با اجازه از خاک پای مهراعتلای اقدس همایونی - ارواحنا فداه - برای سرکشی به علاقه و املاک خودشان عزیمت می‌نمایند. با علاقه‌مندی که دولت به حفظ آسایش ورفاه خاطر معزّی‌الیه دارد البته ایالت جلیله انتظام امور علاقه‌جات ایشان را به طوری که منظور دولت است، مورد توجه قرار خواهند داد که با مساعدت و تقویت ایالت جلیله به اصلاح و تسویه علاقه ملکی خودشان موفقیت حاصل نمایند. برحسب امر قدر قدر ملوکانه از وزارت دربار به امارت لشکر جنوب، توصیه و احکام لازمه صادر شده است. ایالت جلیله هم به نوبه خود در اجرای مفاد فرمان ملوکانه اقدام نمایند. [مهر وزارت داخله]

از وزارت داخله به صولت‌الدوله؛ ۱۳۰۴/۱۱/۱۴]

وزارت داخله، اداره مرکز و انتخابات، دایره انتخابات، به تاریخ ۱۴ ماه ۱۱ سنه ۱۳۰۴، نمره ۴۱۱۰

جناب آقای اسماعیل خان قشقایی، نماینده محترم جهرم

مراسله جناب‌عالی راجع به تعرفه انتخابات، واصل گردید. به ایالت فارس تلگراف شد [که] به حکومت جهرم دستور بدهند همین که انجمن نظارت مرکزی تشکیل می‌شود، انجمن را متذکر شوند که به مناسبت جمعیت برای فراشبند و فیروزآباد و غیره، تعرفه بفرستند که اهالی نقاط مذکور از شرکت در امر انتخابات محروم نشوند.

[مهر وزارت داخله]

از وزارت دربار به صولت‌الدوله؛ ۱۳۱۱/۲/۳

نمره ۵۲۰خ؛ ۱۳۰۲/۲/۳

جناب آقای اسماعیل خان قشقایی، نماینده محترم [جهرم]

در جواب مرقومه مورخه ۲۴ فروردین، زحمت‌افزا می‌شوم که به وزارت جلیله مالییه دستور داده شد که حسب‌الامر مطاع مبارک همایونی - ارواحنا فداه - املاک جنابعالی واقعه در حوزه فارس را با املاک دیگری معاوضه نمایند. املاک واقعه در اصفهان، از ترتیب فوق مستثنی خواهد بود.

تیمورتاش وزیر دربار پهلوی [امضا]



## کتابنامه

- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره و دیگران، عبدالحسین میرزا فرمانفرما، *زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی*، کتاب دوم (تهران: کتاب سیامک، ۱۳۸۳).
- اخگر، احمد، زندگی من در هفتاد سال تاریخ معاصر ایران (تهران: خوشه، ۱۳۶۳).
- ایرجی، ناصر، *ایل قشقایی در جنگ جهانی اول* (تهران: شیرازه، ۱۳۷۸).
- بیات، کاوه، *شورش عشایری فارس (۱۳۰۹-۱۳۰۷ هـ.ش)* (تهران: نقره، ۱۳۶۵)؛ ص ۱۳۶.
- حکمت، رضا، *خاطرات سردار فاخر حکمت*، به کوشش وحیدنیا (تهران: البرز، ۱۳۷۹).
- ذوقی، ایرج، *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ (۱۹۲۵-۱۹۰۰ م)* (تهران: پازنگ، ۱۳۶۸).
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین، *فارس و جنگ بین‌الملل*، ج ۱ (تهران: اقبال، ۱۳۷۰، چاپ پنجم).
- سعدی، شیخ صلح‌الدین عبدالله، *گلستان* (باب هشتم: در آداب صحبت) (چاپ‌های متعدد).
- سفیری، فلوریدا، *پلیس جنوب ایران*، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی) و منصوره فشارکی (رفیعی) (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴).
- فرشبندی، علی مراد، *تاریخچه حزب دموکرات فارس* (تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹).
- قاسمی، ابوالفضل، *تاریخ سیاه یا حکومت خانواده‌ها در ایران؛ خانواده قشقایی* (بی‌جا، چاپخانه نقش جهان، بی‌تا).
- کرونین، استفانی، *ارتش و حکومت پهلوی*، ترجمه غلامرضا علی‌بابایی (تهران: خجسته، ۱۳۷۷).
- گرکه، اولرخ، *پیش به سوی شرق*، ترجمه پرویز صدیقی، ج ۲ (تهران: کتاب سیامک، ۱۳۷۷).
- مابربی، جیمز، *عملیات در ایران*، ترجمه کاوه بیات (تهران: رسا، ۱۳۶۹).
- مسعودی، عباس، *اطلاعات در یک ربع قرن* (تهران: روزنامه اطلاعات، ۱۳۴۵).
- مکی، حسین، *تاریخ بیست‌ساله ایران*، ج ۵ (تهران: علمی، ۱۳۷۴).
- مورخ الدوله سپهر، احمدعلی، *ایران در جنگ بزرگ (۱۹۱۸-۱۹۱۴)* (تهران: بی‌جا، ۱۳۶۶).
- میرزایی دره شوری، غلامرضا، *قشقایی‌ها و مبارزات مردم جنوب* (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱).
- نظری، منوچهر، *رجال پارلمانی ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی)* (تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۸).
- نیدر مایر، اسکارفن، *زیر آفتاب سوزان*، ترجمه کیکاوس جهاننداری (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳).
- نیر شیرازی، عبدالرسول، *تحفه نیر*، تصحیح محمدیوسف نیری شیرازی (شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۸۳).
- یکرنگیان، میرحسین، *گلگون‌کفنان؛ گوشه‌ای از تاریخ نظامی معاصر ایران* (تهران: محمدعلی علمی، ۱۳۳۹).
- اسناد و مطبوعات**
- آرشیو اسناد مجلس شورای اسلامی.
- آرشیو اسناد وزارت امور خارجه.
- «اسناد تاریخی منتشر نشده ایل قشقایی»، با توضیح محمدابراهیم باستانی، *ماهنامه نامه نور*، آذر ۱۳۵۸، ش: ۵-۴؛ صص ۱۷۱-۱۷۲.
- اسناد کابینه کودتای سوم اسفند ۱۳۲۹*، گردآورنده: حسن مرسولوند (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۴).
- اوکانر، فردریک، *از مشروطه تا جنگ جهانی اول؛ خاطرات فردریک اوکانر کنسول انگلیس در فارس*، ترجمه حسن زنگنه (تهران: شیرازه، ۱۳۷۶).
- جنگ جهانی اول در جنوب ایران (گزارش‌های سالانه کنسولگری بریتانیا در بوشهر)* ترجمه کاوه بیات (بوشهر: کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد شهادت رئیس‌علی دلواری، ۱۳۷۳).
- روزنامه اطلاعات، سال هفتم، ش: ۱۶۹۰ (مورخ ۱۷/۱۶/۱۳۱۱)؛ ص ۱.
- \_\_\_\_\_، سال هفتم، ش: ۱۶۹۱ (مورخ ۱۸/۱۶/۱۳۱۱)؛ ص ۱.
- صولت قشقایی، محمدحسین، *یادمانده‌ها؛ خاطراتی از محمدحسین قشقایی* (تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۵).
- مجموعه اسناد شخصی داریوش خان بهادری قشقایی.
- مجموعه قوانین، عهدنامه‌ها و ... مصوبه مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه (تهران: مطبعه مجلس، بی‌تا).
- مصدق، محمد، *تقریرات مصدق در زندان*، به کوشش ایرج افشار (تهران: فرهنگ ایران زمین، ۱۳۵۹).

مصدق، محمد، *خاطرات و تألمات مصدق*، به کوشش ایرج افشار (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۵).  
ملّایی توانی، علیرضا، «نگاهی به سلب مصونیت پارلمانی در دوره رضا شاه»، فصلنامه *اسناد بهارستان*، ضمیمه سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰ (ویژه‌نامه دومین نشست تخصصی تاریخ مجلس)؛ صص ۳۷۵-۳۷۳.

Beck, Lois, *the Qashqai of Iran*, Yale University Press, London, 1986; p. 129.

Lieute, Magee, *Tribes of Fars*, Intellegence Crops, India, 1945; p. 1.

#### شواهد شفاهی

صولت قشقایی، محمدناصر، «خاطرات محمدناصر قشقایی»، مصاحبه‌کننده: حبیب لاجوردی (پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد)، لاس وگاس (آمریکا)، می ۱۹۸۳.  
مصاحبه نگارنده با ملک منصورخان قشقایی (تهران، اسفند ۱۳۷۷).





پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
رتال جامع علوم انسانی